



START

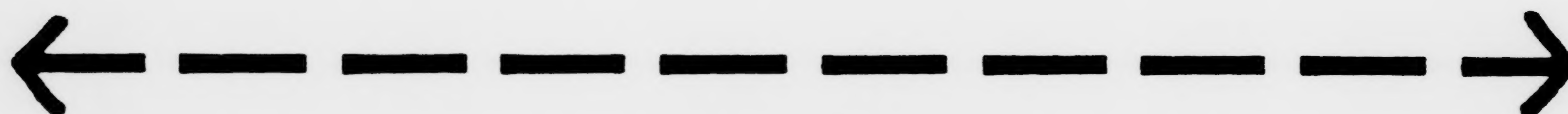
UCLA

REEL 116



Microfilmed 1990

**University of California
Reprographic Service
Los Angeles, CA 90024-151804**



6 inches

Reduction Ratio 14:1

**National Preservation Program for
Biomedical Literature:**

**Preservation of Persian and Arabic
Medical Manuscripts**

**Funded in part by the
National Library of Medicine
and the
University of California at Los Angeles**

(Contract Number N01-LM-9-3534)

October 1989 - September 1990

**The material on this microfilm
is of varying quality. Portions
of the material may be illegible
due to:**

Aged paper

**Foxed, stained, or insect
damaged paper**

Water damaged paper

Glossy paper

Illegible script or faded ink

**Red and purple within the
manuscripts may appear paler.**

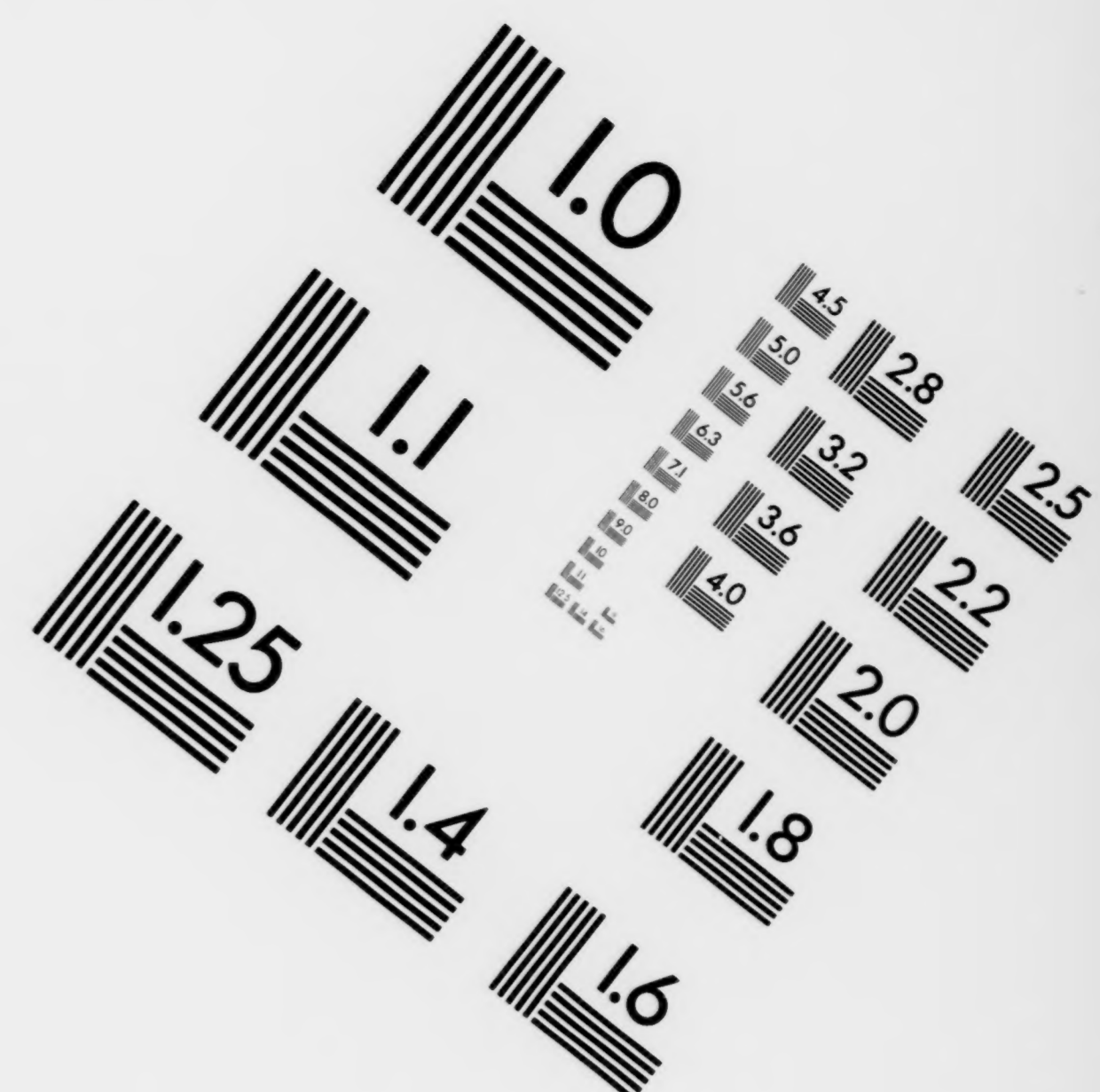
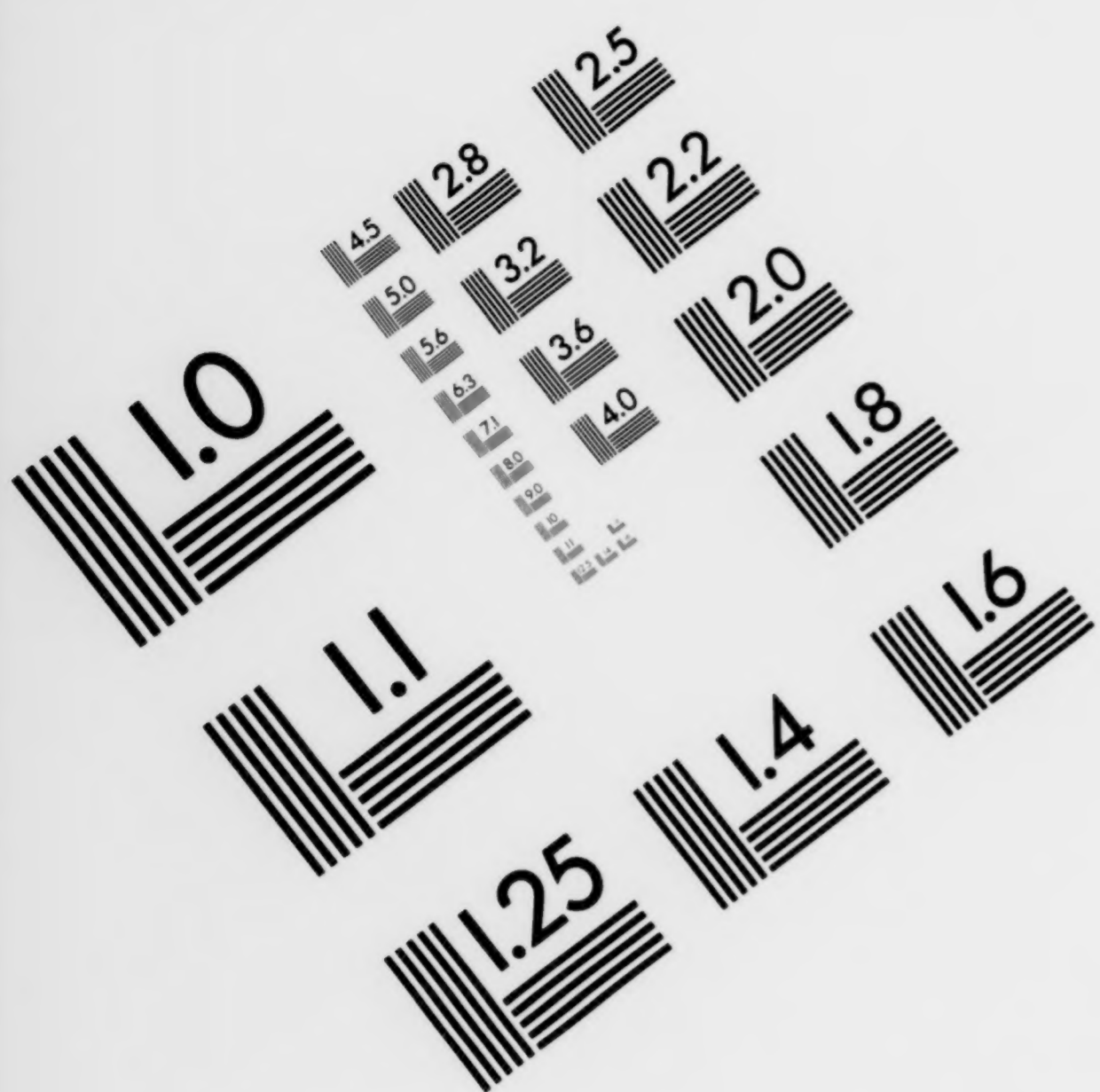


AIM

Association for Information and Image Management

1100 Wayne Avenue, Suite 1100
Silver Spring, Maryland 20910

301/587-8202

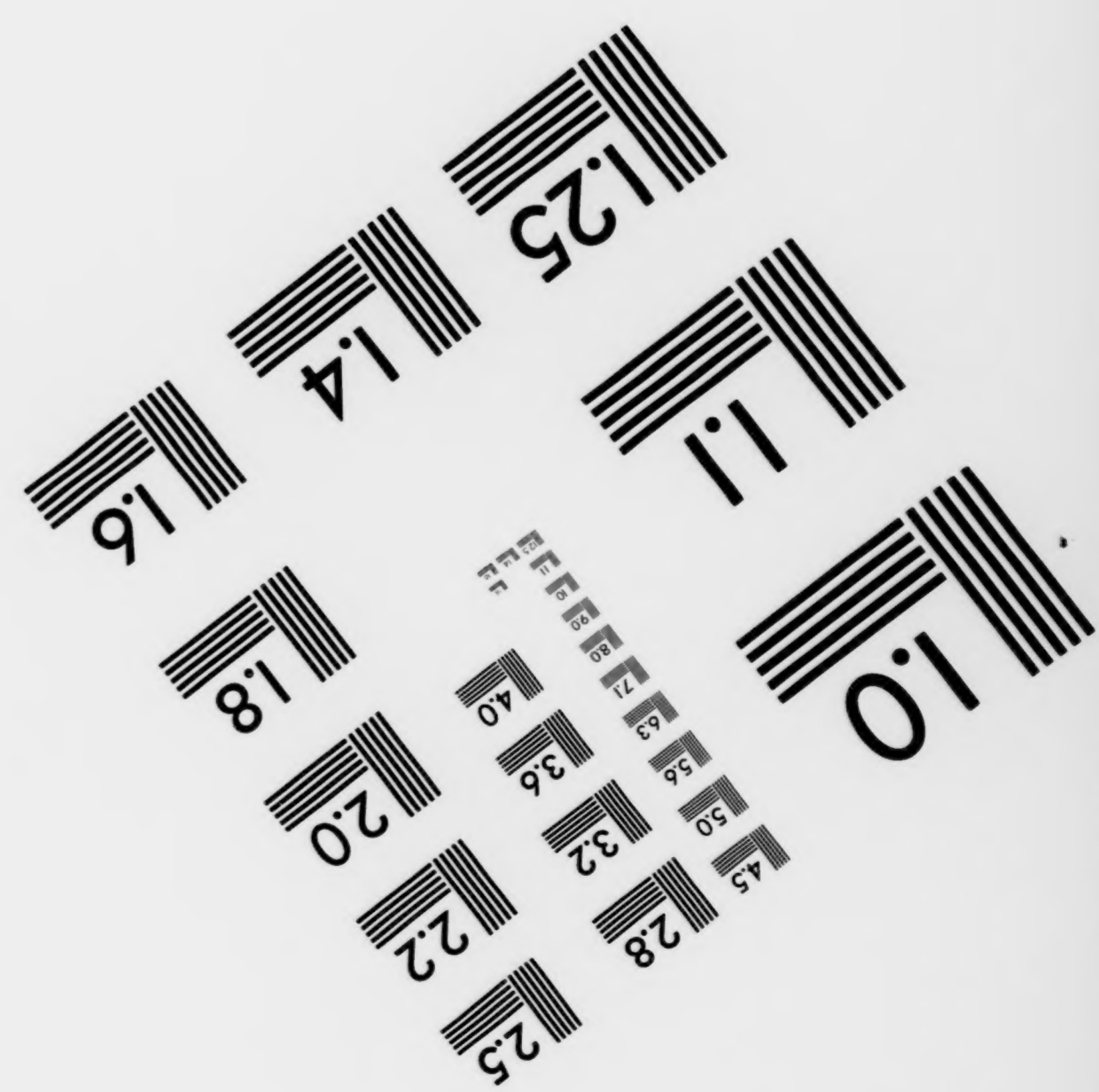
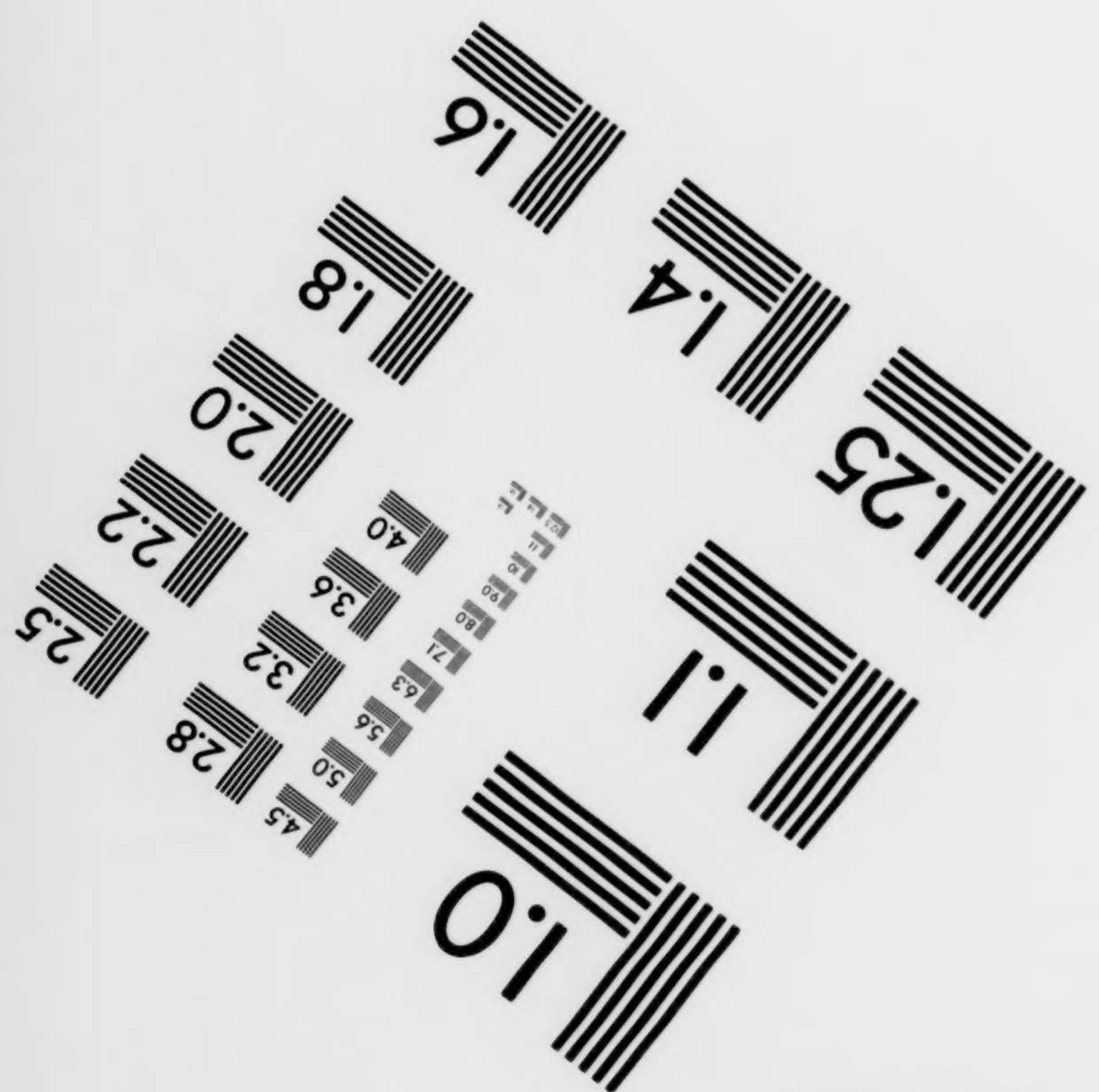
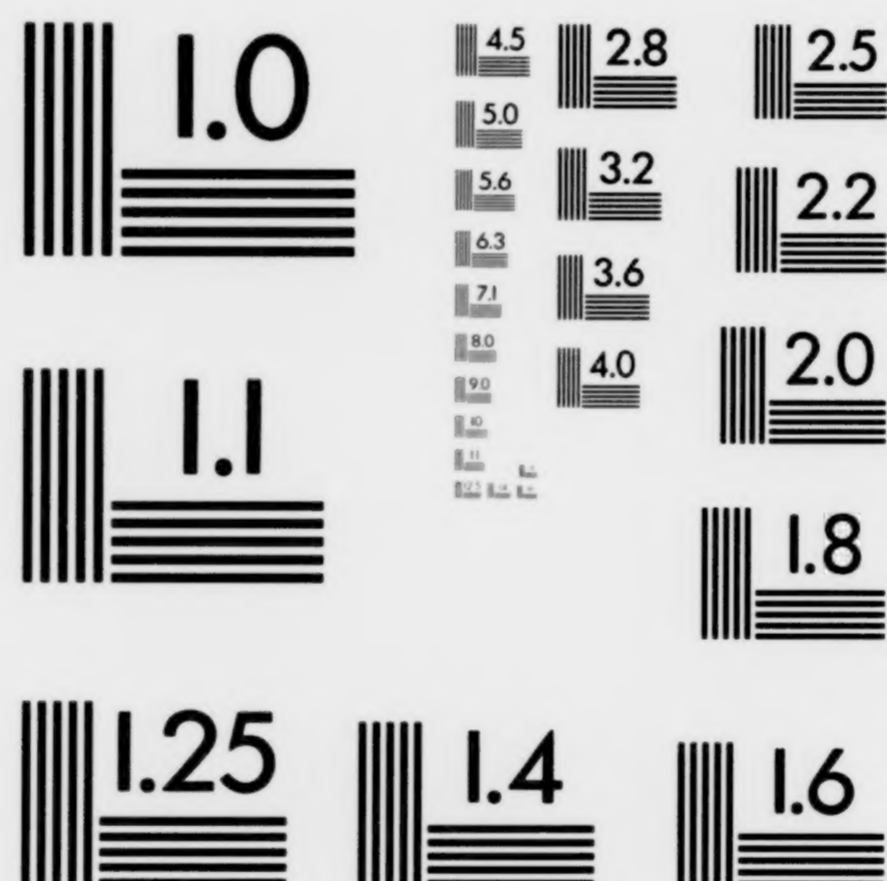


MS303-1980

Centimeter



Inches



MANUFACTURED TO AIM STANDARDS
BY APPLIED IMAGE, INC.

**Los Angeles,
University of California**

Louise M. Darling Biomedical Library

**History and Special Collections
Division**

Persian Medical Manuscript Collection

(Shelved as Ms Collection 60)

**For permission to publish, or obtain
copies of microfilm, write to:**

**History and Special Collections Division
Louise M. Darling Biomedical Library
University of California, Los Angeles
Los Angeles, CA 90024-1798
U.S.A.**

*Ms.
coll. Persian medical manuscripts. -- ca.
no.60 1100-ca. 1900.
RARE 150 v. ; 15 x 8-38 x 24 cm.
Entire collection microfilmed as part
of a National Library of Medicine
preservation project: the preservation
master negative is at NLM; the printing
master negative is at the University of
California's Southern Regional Library
Facility; a positive copy is housed in
the UCLA Biomedical Library's History
Division.
Formerly a part of: Near Eastern
manuscript collection, Dept. of Special
Collections, University Library,
University of California, Los Angeles,
and assigned accession no. 1117.
Transferred to the History Division
of the UCLA Biomedical Library in
CLU-M ejf 891113 CLUHsl SEE NEXT CRD

*Ms.
coll. Persian medical manuscripts. ... ca.
no.60 1100-ca. 1900. (Card 2)
RARE March, 1986.
Finding aids: Annotated and indexed
list available in library: Richter-
Bernburg, Iutz, Persian medical
manuscripts at the University of
California, Los Angeles : a descriptive
catalogue (Malibu : Undena
Publications, 1978)
1. Medicine, Arabic. 2. Manuscripts,
Medical. I. University of California,
Los Angeles. Louise M. Darling
Biomedical Library. History and Special
Collections Division. II. Series: Near
Eastern manuscript collection ; no.
1117.

CLU-M ejf 891113

CLUHsl

Persian Medical Manuscript Collection

Ms. 118

(Richter-Bernburg No. 118)

**Author: Moḥammad Moʻmen b.
Moḥammad Zamān Tonakābonī**

Title: Toḥfato l-moʻmenīn

65 fols., 295 x 200 mm

**Loose material filmed at end of
manuscript**

1672
117 115 118



THE LIBRARY
OF
THE UNIVERSITY
OF CALIFORNIA
LOS ANGELES

1675



در وقت سیرت

همه را با هم جا میزنند و کفالت می کنند
آن روزه بخورند یا نه روز هفت روز را
کتاب ایضا بخورند و کافران را

نروید بدین سیرت سیرت سیرت سیرت سیرت
پس بخورند و چه چاره ای در این وقت

سیرت سیرت سیرت سیرت سیرت سیرت سیرت

نقص کوفت و بدین سیرت سیرت سیرت

همه را با هم جا میزنند و کفالت می کنند
پس همه را در قفس می بندند و در قفس می بندند
و قدری کله بر کله عقده می بینند

سیرت سیرت سیرت سیرت سیرت سیرت سیرت

کافی است که در روز دهم روز دهم روز دهم
پس روز دهم روز دهم روز دهم روز دهم

678
1117 13 118



تعلیم یافته در سن هجده سالگی
کلاس اول را در سن بیست و یک سالگی
کلاس دوم را در سن بیست و سه سالگی
کلاس سوم را در سن بیست و پنج سالگی
کلاس چهارم را در سن بیست و هفت سالگی
کلاس پنجم را در سن بیست و نه سالگی
کلاس ششم را در سن سی و یک سالگی
کلاس هفتم را در سن سی و سه سالگی
کلاس هشتم را در سن سی و پنج سالگی
کلاس نهم را در سن سی و هفت سالگی
کلاس دهم را در سن سی و نه سالگی
کلاس یازدهم را در سن سی و یازده سالگی
کلاس دوازدهم را در سن سی و سه سالگی

تعلیم یافته در سن هجده سالگی
کلاس اول را در سن بیست و یک سالگی
کلاس دوم را در سن بیست و سه سالگی
کلاس سوم را در سن بیست و پنج سالگی
کلاس چهارم را در سن بیست و هفت سالگی
کلاس پنجم را در سن بیست و نه سالگی
کلاس ششم را در سن سی و یک سالگی
کلاس هفتم را در سن سی و سه سالگی
کلاس هشتم را در سن سی و پنج سالگی
کلاس نهم را در سن سی و هفت سالگی
کلاس دهم را در سن سی و نه سالگی
کلاس یازدهم را در سن سی و یازده سالگی
کلاس دوازدهم را در سن سی و سه سالگی

تعلیم یافته در سن هجده سالگی
کلاس اول را در سن بیست و یک سالگی
کلاس دوم را در سن بیست و سه سالگی
کلاس سوم را در سن بیست و پنج سالگی
کلاس چهارم را در سن بیست و هفت سالگی
کلاس پنجم را در سن بیست و نه سالگی
کلاس ششم را در سن سی و یک سالگی
کلاس هفتم را در سن سی و سه سالگی
کلاس هشتم را در سن سی و پنج سالگی
کلاس نهم را در سن سی و هفت سالگی
کلاس دهم را در سن سی و نه سالگی
کلاس یازدهم را در سن سی و یازده سالگی
کلاس دوازدهم را در سن سی و سه سالگی

678



بجوشیده است و در وقت خوردن در پیشانی او مالیده شود...
تازه سرشته نماید و اگر پنج نباشد بر او بکشد...
سومین نماید و از موده است...
و مثال آن چون مواد فاسده که با خون باشد...
در رقیق و مایه کنیده باشد از کف نمند...
تا در اطراف بینی هم رسد...
بسیار مپاشد و سرخ تیره و کبود را دم میت نیز گویند...
سینه نامند و هرگاه چوکت از آن سیلان کند...
بسیار مپاشد و سرخ تیره و کبود را دم میت نیز گویند...
سینه نامند و هرگاه چوکت از آن سیلان کند...
بسیار مپاشد و سرخ تیره و کبود را دم میت نیز گویند...
سینه نامند و هرگاه چوکت از آن سیلان کند...

بجوشیده است و در وقت خوردن در پیشانی او مالیده شود...
تازه سرشته نماید و اگر پنج نباشد بر او بکشد...
سومین نماید و از موده است...
و مثال آن چون مواد فاسده که با خون باشد...
در رقیق و مایه کنیده باشد از کف نمند...
تا در اطراف بینی هم رسد...
بسیار مپاشد و سرخ تیره و کبود را دم میت نیز گویند...
سینه نامند و هرگاه چوکت از آن سیلان کند...
بسیار مپاشد و سرخ تیره و کبود را دم میت نیز گویند...
سینه نامند و هرگاه چوکت از آن سیلان کند...
بسیار مپاشد و سرخ تیره و کبود را دم میت نیز گویند...
سینه نامند و هرگاه چوکت از آن سیلان کند...

در دکان تازه و آب مورد و تخم آن برکت بخند و لادن در دکان کشت و آنکه سوسه و باز و دوست ناز و نالی سیاه و شقایق و قندیل
 و صندل است و قندیل را که با خا و قندیل را با سوسه از خضاب است و سوسه را که سوسه است و سوسه را که سوسه است و سوسه را که سوسه است
 زوده و تجربه رسیده است که تلویس و سوسه را قندیل خا و لادن را با سوسه از آن که سوسه است و سوسه را که سوسه است و سوسه را که سوسه است
 کرد اند سر کین خطاف ماش پوست ترب خشک کرده پنج در آن کوه در مجموعه و یا بعضی از آنها بر زهره کاد و سرکه سرکه سوسه سوسه سوسه
 خطاف با زهره کاد و سوسه را سفید کند و بدستور سفید را بار و عن زنبق در شیشه کرده چهل روز در سر کین اسب گذارند و استعمال نماید و اگر سوسه را
 با کلاب و کافور تر کرده بکوه که مسوق بیالایند و بدو کوه که در آن روز بعد از چند ساعت بسکه شسته باز عاده عمل کنند و چند و چند و سوسه را
 نماید و دوائی دیگر که از اسرار عجیب است چه فماد آن موی را سفید بگرداند و چون با تو تیا بشوند باز سیاه میشود و طلق مذهب را با سوسه
 نماید نمایند چنانکه که موی را سفید کند صد الحید را با آب لاج چون طلا کنند موی را مثل رنگ خنادر و بدستور در صاف و سوسه را با سوسه
 آب خیر که در کیشانه روز به بندند و بدستور زرد چوب را بر دو قیه یا سه و قیه ترس و نیم رطل ماز و دو و قیه سماق در آب جنینا سینه و تازه روز
 نیم زنده پس آب او میرا تر کنند و چون خشک شود مگر آن نایند تازه با زهره کاد و سوسه را که سوسه است و سوسه را که سوسه است و سوسه را که سوسه است
 سوسه را سوسه با آب طلا کنند و بدستور تمام مغز سر و باه باقی قسمت مجیب الفع است و بدستور سر کس و سوسه سوسه سوسه و سوسه را که سوسه است
 و موعا را با روغن زیتون استعمال نمایند و مؤلف حاوی کبر هذاق الطیای مقدمه این را اعتقاد است که چون کندش را با روغن زیتون شام نماید
 در همه اعضا می تواند موی را پیش دست و بدستور چون دو عدد در کازرا با پوست او و آنه فرمایند شغال بسوزانند بر تپه که توان سایدند آنکه
 بسیار بسوزد و با روغن زیتون یا روغن کل سرخ و یا زنده عدد فلفل مانند در رو یا نیدن موی بر و خیره عدیل نازد و بدستور با روغن زیتون و فلفل
 در آب بسوزانند و با روغن زیتون استعمال نمایند و در باب ضادات بعضی از ادویه مجرب در این باب مذکور شد و هرگاه از مالیدن او و سوسه را
 و آید حادث شود بر هم سفید چاق و موم روغن ما محال کند و بدستور چون بوره از منی و نیش در اسوزانیده با سرکه که کند طلا نمایند موی را در
 سوزد و زبش طر کر در هر سه ساعت میرد و آن زوده است ادویه که منع ریختن موی کند از آنکه این نسخه آرزوده است موافق جمیع
 و مختار و غیره لادن ماز و مر صاف مصلکی قود ما کند با روغن کل سرخ نماید نسخته دیگر موافق مختار و از تجربه است
 موی باعث رویانیدن نیز میگرداند برک شقایق برک مورد و بر سیاه و شان سی سنبلی الطیب برک سر و پوست کرده
 صاف با سوسه از هر یک دول خاکستر نشسته صنوبر آقا قیام مصلکی دانه فرمای سوسه هر یک کفن با یک رطل روغن زیتون
 که بوشانند تا آب سوسه روغن مانند پس مافنموده چهار شغال لادن در آن عمل کرده استعمال کنند نسخته د
 است در آن کردن و تشقق و سیاه کردن و منع تساقط بسیار مؤثر است آبله باز و پوست مصلی سوسه مورد
 خوب کرده باشند جنینا سینه بوشانند تا بسوزد پس از آن صاف نموده بر روی این ادویه بر
 سیاه و شان سفید کند مصلکی نیم گمان بوداده و پس سه شبانه روز بگذارند و بعد از آن بوشانند تا
 مدل روغن زیتون بخورد با سوسه نیم بوشانند ماز و روغن باند نسخته دیگر که موی را بر و نازد و لادن کند

در دکان تازه و آب مورد و تخم آن برکت بخند و لادن در دکان کشت و آنکه سوسه و باز و دوست ناز و نالی سیاه و شقایق و قندیل
 و صندل است و قندیل را که با خا و قندیل را با سوسه از خضاب است و سوسه را که سوسه است و سوسه را که سوسه است و سوسه را که سوسه است
 زوده و تجربه رسیده است که تلویس و سوسه را قندیل خا و لادن را با سوسه از آن که سوسه است و سوسه را که سوسه است و سوسه را که سوسه است
 کرد اند سر کین خطاف ماش پوست ترب خشک کرده پنج در آن کوه در مجموعه و یا بعضی از آنها بر زهره کاد و سرکه سرکه سوسه سوسه سوسه
 خطاف با زهره کاد و سوسه را سفید کند و بدستور سفید را بار و عن زنبق در شیشه کرده چهل روز در سر کین اسب گذارند و استعمال نماید و اگر سوسه را
 با کلاب و کافور تر کرده بکوه که مسوق بیالایند و بدو کوه که در آن روز بعد از چند ساعت بسکه شسته باز عاده عمل کنند و چند و چند و سوسه را
 نماید و دوائی دیگر که از اسرار عجیب است چه فماد آن موی را سفید بگرداند و چون با تو تیا بشوند باز سیاه میشود و طلق مذهب را با سوسه
 نماید نمایند چنانکه که موی را سفید کند صد الحید را با آب لاج چون طلا کنند موی را مثل رنگ خنادر و بدستور در صاف و سوسه را با سوسه
 آب خیر که در کیشانه روز به بندند و بدستور زرد چوب را بر دو قیه یا سه و قیه ترس و نیم رطل ماز و دو و قیه سماق در آب جنینا سینه و تازه روز
 نیم زنده پس آب او میرا تر کنند و چون خشک شود مگر آن نایند تازه با زهره کاد و سوسه را که سوسه است و سوسه را که سوسه است و سوسه را که سوسه است
 سوسه را سوسه با آب طلا کنند و بدستور تمام مغز سر و باه باقی قسمت مجیب الفع است و بدستور سر کس و سوسه سوسه سوسه و سوسه را که سوسه است
 و موعا را با روغن زیتون استعمال نمایند و مؤلف حاوی کبر هذاق الطیای مقدمه این را اعتقاد است که چون کندش را با روغن زیتون شام نماید
 در همه اعضا می تواند موی را پیش دست و بدستور چون دو عدد در کازرا با پوست او و آنه فرمایند شغال بسوزانند بر تپه که توان سایدند آنکه
 بسیار بسوزد و با روغن زیتون یا روغن کل سرخ و یا زنده عدد فلفل مانند در رو یا نیدن موی بر و خیره عدیل نازد و بدستور با روغن زیتون و فلفل
 در آب بسوزانند و با روغن زیتون استعمال نمایند و در باب ضادات بعضی از ادویه مجرب در این باب مذکور شد و هرگاه از مالیدن او و سوسه را
 و آید حادث شود بر هم سفید چاق و موم روغن ما محال کند و بدستور چون بوره از منی و نیش در اسوزانیده با سرکه که کند طلا نمایند موی را در
 سوزد و زبش طر کر در هر سه ساعت میرد و آن زوده است ادویه که منع ریختن موی کند از آنکه این نسخه آرزوده است موافق جمیع
 و مختار و غیره لادن ماز و مر صاف مصلکی قود ما کند با روغن کل سرخ نماید نسخته دیگر موافق مختار و از تجربه است
 موی باعث رویانیدن نیز میگرداند برک شقایق برک مورد و بر سیاه و شان سی سنبلی الطیب برک سر و پوست کرده
 صاف با سوسه از هر یک دول خاکستر نشسته صنوبر آقا قیام مصلکی دانه فرمای سوسه هر یک کفن با یک رطل روغن زیتون
 که بوشانند تا آب سوسه روغن مانند پس مافنموده چهار شغال لادن در آن عمل کرده استعمال کنند نسخته د
 است در آن کردن و تشقق و سیاه کردن و منع تساقط بسیار مؤثر است آبله باز و پوست مصلی سوسه مورد
 خوب کرده باشند جنینا سینه بوشانند تا بسوزد پس از آن صاف نموده بر روی این ادویه بر
 سیاه و شان سفید کند مصلکی نیم گمان بوداده و پس سه شبانه روز بگذارند و بعد از آن بوشانند تا
 مدل روغن زیتون بخورد با سوسه نیم بوشانند ماز و روغن باند نسخته دیگر که موی را بر و نازد و لادن کند

و طرز بدان با دلیل ترسب و معاملا و عیون فون را حواس و کشیدن ...
 و مقدار دلیل معقب بگردن و خارش منی بجای و طوطی و لیس ...
 و تشنگی مفوظ دلیل موت است احراض اس و طلیت که سر را بسیار ...
 سر زیاد بر رخ باشد و تغییر چشم نیم سرد از اصل و مانع خواهد بود ...
 باب کشیزه سفیداب تطلیه و سوط کند تسقیه کلاب نماید و در باره تسقیه کلاب که فرزندش در آن میسازند و باشند باید ...
 بطریق و آنچه بشا رکت باشد علاج آن مضمون کنند هر چه صلی است که موی راست است و مقلب که عبارت از اینهاست ...
 مرد که مصلحت نماید نمود علاج هرگاه در زمستان باشد در پیش آتش و آله و اوقاب بارند و نظول مطبوخ با بونه و تسقیه ...
 نور و کشند تقلیص طلیت از پس و مانع حرکت و دشوار کند علاج نظول آب شبت در وقت کج و تسقیه شیره ...
 بیدستور آب عناب و بنفشه نیز مفید است احراض عین نشا بشکریست و تقریح نموده اند که غیر نسان و بوزینه و مرغ خاک ...
 بیوان اشیا را در شبت سینند و عدم البهار جوارح بسبب بخار غلیظ علاج منع لحومات و اقتصار بحبوب و تعقیه کلاب و ش ...
 فشاوه و بیاض به تعقیه زهرها و بشکر و در او یکسند استماع و نزول به طلیت که در روز باران کند علاج شربت ...
 در روز جمعیور را در صحت بصر سوای شب و برودت مفوظ هوا مر و مک و وسیع نمیکرد و علاج تعقیه زهرهاست با غسل و ...
 به تعقیه آب مورد کند و او هم آب مورد را با توتیای مفصول تجویز کرده است و علاج سبزی پلک چشم و بهم بر آمدن آن بعد ...
 طلا بخون بان را کس طیور بغایت آرزوده است و بدستور جهت طرفه و اکثر ارض چشم مفید است جدرک و آن حدود ...
 در و راست در پلک چشم علاج موضع را با سیر بالند و بعد از آن خاکستر برک زیتون بپاشند و علاج سلاق که سر ...
 با صلابت و بی جوشش تعقیه کلاب و در وقت بسته کنند و علاج جرب که خشونت و سرفه پلکت بقطر شراب و سفیداب ...
 در کلاب کند و علاج بز که غریب بی سیلانست بقطر در وقت کل شنج و شراب باید کرد و موی که کثرت اشکست هرگاه از ...
 شده باشد بر وقت بنفشه مخلوط شیره و حتران تعقیه نماید احراض منس و مقلب منس را بفارسی منقار و مقلب را چکال گویند و از ...
 یکی وقت است که عبارت از زیزه شدن و پوست انداختن باشد و علاج پدید آن تصفیه این دو است نشا رده شنج بز ...
 بید بخیر جوشانیده استعمال کند و سبزی منقار و ناخن را که از رده و اسباب خارج بپرسیده باشد تصفیه باب مورد و ولاد ...
 بسبب انصباب مواد باشد بر وقت یا دام و تخم کبوتر و مغز پسته تطلیه نمایند و اللطاط که بی و چیده کیت تصفیه بکر و شبت ...
 که هم آمدن و با تشنگی قلب و منس است مداومت بتصفیه روغن کج و در وقت تازه و سوط نیز از آن نمایند و طعمه بر زده خام ...
 که بترکه ز کیک گویند و آن در کمال اشکستان حادث میشود و باین دو اگر تطلیه کنند که از جرب است اشق مقل از رقی هر که ...
 کرده کیشانه روز در سر که کج بپسند پس در او آن حل کند و کل خطی و در وقت خورد نم گمان بنفشه با بونه حرکت که ...

بلک ...
 باند ...
 که تلف ...
 نمودن ...
 نمود ...
 قهر ...
 از مؤثرات ...
 بعد از قطع موی ...
 آرد و ملبه ...
 آمد کل ...
 کرد اند ...
 که موی ...
 صاف نموده ...
 چون پر مرغ ...
 آب برنج ...
 باعث سرعت ...
 برکت شفا ...
 در و کیساعت ...
 بد بخیر ...
 ت و مهرزلات ...
 نی بالتویه ...
 سرشته قدری ...
 بالتویه ...
 شد و روی ...
 لال کون ...

بالتیجا و در ذرات همه با فعلی متبک و صفا با از ذراتی که در پیوسته است نمود قاری مندل سفید هر یک که در اصطلاحات این حل دوم در قوه تدقیق و تصحیح و مانند آن حل سیم در بیان آلات حکم و معنی از جمله فنون و در ذرات دو وزن او دو صفت عین مندل سفید سه جزویش والا بنج بنج که کل مندل الطیب پنج سوس بود بهار از
 سعد نارنجک هر یک که در قوه تدقیق و تصحیح و مانند آن حل سیم در بیان آلات حکم و معنی از جمله فنون و در ذرات دو وزن او دو صفت عین مندل سفید سه جزویش والا بنج بنج که کل مندل الطیب پنج سوس بود بهار از
 در اصول صنعت و امور خیریه بدانکه علم صناعت علم است که تبدیل قوای اجرام معدنی بعضی تا حاصل شود ذهاب و فتنه از سایر بیان بعضی از اصطلاحات این صنعت حشر عبارت از جزو اعظم که است و اختلاف بسیار در آن واقع شده چه هر یک که این فن
 و از آنکه نامند و علم طلسمات که بان دانسته شود کیفیت تخریب قوای فاعله عالییه یا مغلوله یا فاعله غیر بسیاران حادث کرده و از آن نیز در اول مطالب خود جزو اعظم دانسته پذیر آن نموده اند تا بعد جریان و نفوذ و انبساط رسیده و قیام النار گشته و نزدیک صفت عبارت از شفقت
 و بیما علم شیخ است و آن معرفه احوال سبعه سیاره است از کیفیت تصرف ایشان که فوعل علوی اند و قویا سطح و دعوات و خواص است و اکثر اهل صناعت در آن متفقند و نزد برخی عبارت از زینتی و نزد جمعی کنایه از کبریت است و تحقیق بر آنست که در بعضی این دو اصل
 ایشان و شیخات روحانی و عزیم جیبیان و معرفت اقدار و مضاد و مثل آن و سیمیا علم خیالات است که بان تصرف در خیال منبسط و محرک عمل تمیز است و شکی نیست چه هرگاه اصل وارد قائم النار و گذارنده کرده و قبول صیغ کند و اصل حار را رخ استعمال تسویه شود و رافع
 تا احداث مثلثات نماید که در خارج موجود نباشد و سیمیا علم شجده است و آن معرفت قوای جواهر صغیره است و مزج آن یکدیگر شرط است که حاصل شود نفوذ و صعود و غوص و غیره آنرا از آید مثل الحراق و تجمید و تلیین و تسلیم و آنرا
 قوی حاصل شود که از آن قوت فعل غریب مدوری یا بدوشیده نماید که از کبریت و بعضی منبع الوجود است و از عالم قلب ماهیت میداند و نزد بعضی عبارت است از اجزای لطیفه اجسام که حاصل قوت بوده نفوذ و صعود و غوص و غیره آنرا از آید مثل الحراق و تجمید و تلیین و تسلیم و آنرا
 علوم ممکن الحصول از عالم تبدیل صورته نوعیه است نه قلب ماهیت چه ذهاب و نسبت با نوع فلزات صیغ الحراج دانسته اند و سایر را در این علم در آن اجزای لطیفه بسیار غالب باشد نزد ایشان سیمی بروج است مانند جواهر زینتی و کبریت و جواهر زینتی و اطوار و شوب و آتش
 اصلاح عمل هر یک تدابیری چند مقرر ساخته و توفیق روشن را از کلوز مشاهد نموده اند و تصریح کرده اند که مکرر دیده ایم که نصف کلوز کلوفا در حد عبارت است از اجزای کشفه جسام که قابل وقوع آثار روح باشد و هر چه که اجزای زمینیه بجای فرط دروغ غالب باشد سیمی بحد است
 صورت بسته بود و نصف دیگر شکل خود باقی بود و شیخ الرئیس طلب ترا در احوال باقی این علم بوده و در آنرا رساله در حقیقه آن است فرموده اند که در کلمات نفس عبارت است از جسمی که کسب لطافت و کشفانند و وسط بوده مابا الار تباط روح و جسم توانند شد و واسطه جریان
 اعتبار و آنکه جزو صغیره و ترکیب صورتی ندارد و خالص نموده و در این عمل بی بیانتان است و صاحبان معرفت از آن برسانند و ظاهر آنست که این لطیفه سیال به اجزای کشفه قابل جذب تواند گشت کبریت احمر عبارت از اکیر شمسی است چه در رنگ سرخ می باشد و از علامات خاصه
 اصل اصیل باشد اما بدون زهد و قناعت باقی ایصال اکثر مستحقین و مساکین و ارتباط بنفوس تدسیه و تحقیق با خلاق اولیاء و اکرام مفضل منسبت در شیخ الطود موی سر رسانست اصل نارنجی است اصل حاکم کبریت است و او را لکنشی و ثانی را ذکر نامند قمر کنایه از
 صورتی بنفوذ بالا فوه باعث بوار و هلاک آن شخص گردد چنان علم کلید خزان ملک الملوک است به بحدت اگر پیکان که بارگاه عزت بران مطلقه است و او را اول نیز گویند عطار در عبارت است از روی تو تیا که شبیه باشد و ثانی کنایه از است و بعضی سیاه را نیز عطار در
 وزی دارد که کلید را باید و عاقبت حال سارق چنین درگاه معلوم و لهای آگاه خواهد بود و بجز در علمه سخنانی متداول بدون است و ما هر چه در این علم است و ثالث عبارت از ان شمس ذهبت است و رابع کنایه از ان سرخ حید است و خامس نیز گویند
 عمل کردید آن محض سودای خام بختی است چه مدار این فن با عمل متنوعه و افعال متشکل است و جزئیات آن کمال تصویر بدست نیست و فی الحقیقه علمی است که رصا این باشد و سادس کنایه از است و حل سر سبت و از سماج مراد او است عقاب نوشاد است
 شیخ آن از تالیفات عالم با عمل باشد امکان ندارد که اسرار عظیمه را بدون بیان کند و از او نیز ایشان مختلف است و احاطه بر هیچ آن امکان ندارد و در این علم است و سبب است اصلا ح عبارت از اقسام نمک معدنی و صناعی و شکار و شور و ولوره و نوشاد است و شش
 چه اگر موز جیب اهل علم یک است پس هر آینه رفیع بود بلکه اصطلاحی خاص بران صادق می آمد و اگر رسایل از تالیفات غیر عالم عالم باشد عبارت از نوشاد است که بآب سخن نموده در آفتاب گذارند تا اجزای لطیفه او صعود نموده بر اطراف ظرف نشینند ارض عبارت
 البطان خواهد بود بلکه شرط اعظم مشاهده اعمال مخصوصه است از صاحبان فن و در علم عارف آن و اینکه این بی بضاعت عالم بود و در علم عارف آن و اینکه این بی بضاعت عالم بود و در علم عارف آن و اینکه این بی بضاعت عالم بود و در علم عارف آن
 بران ارتکاب تر قییم اصول کلیه نموده سبب است که اکثر اعمال اهل صناعت طیب را در بعضی اوان فروری میشود و تدابیر بعضی از ادویه و در قوه تدقیق و تصحیح و مانند آن حل سیم در بیان آلات حکم و معنی از جمله فنون و در ذرات دو وزن او دو صفت عین مندل سفید سه جزویش والا بنج بنج که کل مندل الطیب پنج سوس بود بهار از
 مخصوصه جسم و جوه ممکن است و چون در طی کفیف المؤمنین مطالعه اکثر رسایل معتبره این فن شده و بعضی ادویه را تدبیر بطریق اهل این فن میگویند و در قوه تدقیق و تصحیح و مانند آن حل سیم در بیان آلات حکم و معنی از جمله فنون و در ذرات دو وزن او دو صفت عین مندل سفید سه جزویش والا بنج بنج که کل مندل الطیب پنج سوس بود بهار از
 بناء علیه بقدر امکان در بیان اصول کلیه و آلات مخصوصه این فن کوشیده تا احوال عالم امکان را بدون تحصیل کتب متعدده علم بر اصول این فن در قوه تدقیق و تصحیح و مانند آن حل سیم در بیان آلات حکم و معنی از جمله فنون و در ذرات دو وزن او دو صفت عین مندل سفید سه جزویش والا بنج بنج که کل مندل الطیب پنج سوس بود بهار از
 این کرده حاصل کرده و اگر طالب اعمال حزنی باشد تحصیل حاصل آن کنند و مطالعه این مجموعه تواند مدعی لاف کزاف را از خود و بغیر مخرج
 پس در قوه تدقیق و تصحیح و مانند آن حل سیم در بیان آلات حکم و معنی از جمله فنون و در ذرات دو وزن او دو صفت عین مندل سفید سه جزویش والا بنج بنج که کل مندل الطیب پنج سوس بود بهار از

در قوه تدقیق و تصحیح و مانند آن حل سیم در بیان آلات حکم و معنی از جمله فنون و در ذرات دو وزن او دو صفت عین مندل سفید سه جزویش والا بنج بنج که کل مندل الطیب پنج سوس بود بهار از
 در قوه تدقیق و تصحیح و مانند آن حل سیم در بیان آلات حکم و معنی از جمله فنون و در ذرات دو وزن او دو صفت عین مندل سفید سه جزویش والا بنج بنج که کل مندل الطیب پنج سوس بود بهار از
 در قوه تدقیق و تصحیح و مانند آن حل سیم در بیان آلات حکم و معنی از جمله فنون و در ذرات دو وزن او دو صفت عین مندل سفید سه جزویش والا بنج بنج که کل مندل الطیب پنج سوس بود بهار از
 در قوه تدقیق و تصحیح و مانند آن حل سیم در بیان آلات حکم و معنی از جمله فنون و در ذرات دو وزن او دو صفت عین مندل سفید سه جزویش والا بنج بنج که کل مندل الطیب پنج سوس بود بهار از
 در قوه تدقیق و تصحیح و مانند آن حل سیم در بیان آلات حکم و معنی از جمله فنون و در ذرات دو وزن او دو صفت عین مندل سفید سه جزویش والا بنج بنج که کل مندل الطیب پنج سوس بود بهار از
 در قوه تدقیق و تصحیح و مانند آن حل سیم در بیان آلات حکم و معنی از جمله فنون و در ذرات دو وزن او دو صفت عین مندل سفید سه جزویش والا بنج بنج که کل مندل الطیب پنج سوس بود بهار از
 در قوه تدقیق و تصحیح و مانند آن حل سیم در بیان آلات حکم و معنی از جمله فنون و در ذرات دو وزن او دو صفت عین مندل سفید سه جزویش والا بنج بنج که کل مندل الطیب پنج سوس بود بهار از
 در قوه تدقیق و تصحیح و مانند آن حل سیم در بیان آلات حکم و معنی از جمله فنون و در ذرات دو وزن او دو صفت عین مندل سفید سه جزویش والا بنج بنج که کل مندل الطیب پنج سوس بود بهار از
 در قوه تدقیق و تصحیح و مانند آن حل سیم در بیان آلات حکم و معنی از جمله فنون و در ذرات دو وزن او دو صفت عین مندل سفید سه جزویش والا بنج بنج که کل مندل الطیب پنج سوس بود بهار از
 در قوه تدقیق و تصحیح و مانند آن حل سیم در بیان آلات حکم و معنی از جمله فنون و در ذرات دو وزن او دو صفت عین مندل سفید سه جزویش والا بنج بنج که کل مندل الطیب پنج سوس بود بهار از

11

از وقت

باید بعد از آن در زمین مرتفع باشد تا کثافت روی مسوک را با آلت آفتی توان جدا نمود و یکدیگر را بنویسد و این که یکطرف وسیع و یکطرف
 باشد باین شکل در کنار خاک مذکور بر ستوری نصب کنند که چهار گوشه آن طرف از وسط آن مرتفع و میانی حلق وسط
 و هم عدای بر طرف وسیع انبوه نصب باید نمود که پوست بلا فاصله هوای شدید وارد و وسط خاک از فوق تواند شد و خوب میدرخد
 خاک چیده برافروزند تا شعله از خارج مخاک بسبب دمیدن داخل مخاک مذکور گردد و آنچه در مخاک ریزند کفایت شود و سبب
 کردن نقره داخل میکنند باید سه صندل و یکصد راجه کدخاتن نقره با یکدیگر آمیخته و بعد از آن در دو سه دفعه غلطیدن نشت او را اضافه
 ساعتی هم در آن مقدار صندل کنند که از غلطیدن و چرخ زدن بایستد و کثافت روی او را بدفعات رفع نمایند و سکون مسوک علامت پاک
 و عدم کثافت او است و عدم امتزاج و عدم کداز نقره را با سرب علامت بدی جوهر نقره دانند صفت خلاص آجر هشت جزو زجاج
 تو تیا مغسول نموده صاف و در آب نش منقذ کرده باشند و در هر دو کوشی که آتش بسیار دیده باشد و در هر دو کوشی چهارم و یکم طلا
 بموثر انرم سائیده با آب غیر تری کنند و کوره را تا نصف از آن ریخته طلای منشوش را ریزه کرده در آن کل فرود برده قدری از آن کل
 او بریزند و سر پوش کوزه با کل حکمت مستحکم نموده مجموع کوزه را با کل کفایت بعد از خشک شدن کل در کوزه کوری با آجر نری کاشی
 و هرگاه نام صاف بیرون آید عمل را مکرر کنند تا کج زرمی و رنگینی که مطلوب باشد و شکندگی و نامافی رفع کرد و صفت قالب کلس السیف
 بسکه عمل و غیر کرده هر نقش که کنند لایال مکرر کرده باز در سر که گذارند و در زین کل کنند تا صفت قوی را تا نصف بس
 بکل حکمت بگیرند و طلای منشوش را خورد کرده با سوزن آن تیز آب فاروقی در قوع مذکور کرده بر روی آتش زغال بپوشانند تا
 سیاهی بسفیدی رسد پس در ظرف مزجی ریخته صفا چس در آن نکلند در بیوقت آنچه از نقره بر و مخلوط باشد بر روی تیز آب
 ملاصق میکرد و طلای صاف در تحت ظرف جمع میشود و هر چه از سایر متفرقات با او مخلوط باشد تجلیل می رود و تیز آب فاروقی در دست
 حل چهارم در کرفن بعضی از آنها در سیر اجزا و بعضی در غیر بعضی از آن صفت میاید از آنکه آبت که رفع شعله کبریت که
 گرداند و در عمل شرف جزو اعظم است و باعث جریان او و ارض یارب را عقد کند و معقود را جاری سازد و تشییع نماید و اگر کثافت
 شده و از جرات دانسته اند کبریت کل دغلی را با نموی سر با تسویه تعظیم کنند و بان تسقیه شرف نمایند و بدستور طبع العطل و نوشتار
 از هر یک یک جزو در سر که حل نمایند و در قطن تر و نور تازه از هر یک ده جزو با سر که مذکور سائیده تعظیم کنند و با مقطر آن اجزا
 سعی نموده اعاده تعظیم نمایند تا چند دفعه در عقد ارض یارب و تشییع جریان بی عدیل دانسته اند آب دیگر که تسقیه آن شرف
 و در نقل شتری بر تبه اعلا از جرات نموده اند از براده حدید و براده نحاس که مزوج با یکدیگر نموده با زعفران ترتیب دهند و آن
 با سر که تعظیم کنند و چند بار در مقطر نموده مکرر تعظیم کنند و نزد اکثر مقطر مکرر زعفران اجدید با سر که مقل مشربیت آب دیگر
 با سر چندان او سر که تعظیم کنند جهت تکمیل کبریت و زینق در صاص بد تشییع بعد از است و باید مکرر بان تسقیه و سعی نمایند آب
 بوره ارضی و بوره سرخ را با سفیدی نیم سرشته و کوره سفال بسوزانند و تا نه مرتبه عاده عمل نمایند با غفلت بالتسویه تعظیم کنند و
 اجساد را حل کنند و در تقید و ساختن معادن و الحاق و ضیق آن بشریف از جرات دانسته اند ایضا کبریت را با دوزن او آب

باید بعد از آن در زمین مرتفع باشد تا کثافت روی مسوک را با آلت آفتی توان جدا نمود و یکدیگر را بنویسد و این که یکطرف وسیع و یکطرف
 باشد باین شکل در کنار خاک مذکور بر ستوری نصب کنند که چهار گوشه آن طرف از وسط آن مرتفع و میانی حلق وسط
 و هم عدای بر طرف وسیع انبوه نصب باید نمود که پوست بلا فاصله هوای شدید وارد و وسط خاک از فوق تواند شد و خوب میدرخد
 خاک چیده برافروزند تا شعله از خارج مخاک بسبب دمیدن داخل مخاک مذکور گردد و آنچه در مخاک ریزند کفایت شود و سبب
 کردن نقره داخل میکنند باید سه صندل و یکصد راجه کدخاتن نقره با یکدیگر آمیخته و بعد از آن در دو سه دفعه غلطیدن نشت او را اضافه
 ساعتی هم در آن مقدار صندل کنند که از غلطیدن و چرخ زدن بایستد و کثافت روی او را بدفعات رفع نمایند و سکون مسوک علامت پاک
 و عدم کثافت او است و عدم امتزاج و عدم کداز نقره را با سرب علامت بدی جوهر نقره دانند صفت خلاص آجر هشت جزو زجاج
 تو تیا مغسول نموده صاف و در آب نش منقذ کرده باشند و در هر دو کوشی که آتش بسیار دیده باشد و در هر دو کوشی چهارم و یکم طلا
 بموثر انرم سائیده با آب غیر تری کنند و کوره را تا نصف از آن ریخته طلای منشوش را ریزه کرده در آن کل فرود برده قدری از آن کل
 او بریزند و سر پوش کوزه با کل حکمت مستحکم نموده مجموع کوزه را با کل کفایت بعد از خشک شدن کل در کوزه کوری با آجر نری کاشی
 و هرگاه نام صاف بیرون آید عمل را مکرر کنند تا کج زرمی و رنگینی که مطلوب باشد و شکندگی و نامافی رفع کرد و صفت قالب کلس السیف
 بسکه عمل و غیر کرده هر نقش که کنند لایال مکرر کرده باز در سر که گذارند و در زین کل کنند تا صفت قوی را تا نصف بس
 بکل حکمت بگیرند و طلای منشوش را خورد کرده با سوزن آن تیز آب فاروقی در قوع مذکور کرده بر روی آتش زغال بپوشانند تا
 سیاهی بسفیدی رسد پس در ظرف مزجی ریخته صفا چس در آن نکلند در بیوقت آنچه از نقره بر و مخلوط باشد بر روی تیز آب
 ملاصق میکرد و طلای صاف در تحت ظرف جمع میشود و هر چه از سایر متفرقات با او مخلوط باشد تجلیل می رود و تیز آب فاروقی در دست
 حل چهارم در کرفن بعضی از آنها در سیر اجزا و بعضی در غیر بعضی از آن صفت میاید از آنکه آبت که رفع شعله کبریت که
 گرداند و در عمل شرف جزو اعظم است و باعث جریان او و ارض یارب را عقد کند و معقود را جاری سازد و تشییع نماید و اگر کثافت
 شده و از جرات دانسته اند کبریت کل دغلی را با نموی سر با تسویه تعظیم کنند و بان تسقیه شرف نمایند و بدستور طبع العطل و نوشتار
 از هر یک یک جزو در سر که حل نمایند و در قطن تر و نور تازه از هر یک ده جزو با سر که مذکور سائیده تعظیم کنند و با مقطر آن اجزا
 سعی نموده اعاده تعظیم نمایند تا چند دفعه در عقد ارض یارب و تشییع جریان بی عدیل دانسته اند آب دیگر که تسقیه آن شرف
 و در نقل شتری بر تبه اعلا از جرات نموده اند از براده حدید و براده نحاس که مزوج با یکدیگر نموده با زعفران ترتیب دهند و آن
 با سر که تعظیم کنند و چند بار در مقطر نموده مکرر تعظیم کنند و نزد اکثر مقطر مکرر زعفران اجدید با سر که مقل مشربیت آب دیگر
 با سر چندان او سر که تعظیم کنند جهت تکمیل کبریت و زینق در صاص بد تشییع بعد از است و باید مکرر بان تسقیه و سعی نمایند آب
 بوره ارضی و بوره سرخ را با سفیدی نیم سرشته و کوره سفال بسوزانند و تا نه مرتبه عاده عمل نمایند با غفلت بالتسویه تعظیم کنند و
 اجساد را حل کنند و در تقید و ساختن معادن و الحاق و ضیق آن بشریف از جرات دانسته اند ایضا کبریت را با دوزن او آب

باید بعد از آن در زمین مرتفع باشد تا کثافت روی مسوک را با آلت آفتی توان جدا نمود و یکدیگر را بنویسد و این که یکطرف وسیع و یکطرف
 باشد باین شکل در کنار خاک مذکور بر ستوری نصب کنند که چهار گوشه آن طرف از وسط آن مرتفع و میانی حلق وسط
 و هم عدای بر طرف وسیع انبوه نصب باید نمود که پوست بلا فاصله هوای شدید وارد و وسط خاک از فوق تواند شد و خوب میدرخد
 خاک چیده برافروزند تا شعله از خارج مخاک بسبب دمیدن داخل مخاک مذکور گردد و آنچه در مخاک ریزند کفایت شود و سبب
 کردن نقره داخل میکنند باید سه صندل و یکصد راجه کدخاتن نقره با یکدیگر آمیخته و بعد از آن در دو سه دفعه غلطیدن نشت او را اضافه
 ساعتی هم در آن مقدار صندل کنند که از غلطیدن و چرخ زدن بایستد و کثافت روی او را بدفعات رفع نمایند و سکون مسوک علامت پاک
 و عدم کثافت او است و عدم امتزاج و عدم کداز نقره را با سرب علامت بدی جوهر نقره دانند صفت خلاص آجر هشت جزو زجاج
 تو تیا مغسول نموده صاف و در آب نش منقذ کرده باشند و در هر دو کوشی که آتش بسیار دیده باشد و در هر دو کوشی چهارم و یکم طلا
 بموثر انرم سائیده با آب غیر تری کنند و کوره را تا نصف از آن ریخته طلای منشوش را ریزه کرده در آن کل فرود برده قدری از آن کل
 او بریزند و سر پوش کوزه با کل حکمت مستحکم نموده مجموع کوزه را با کل کفایت بعد از خشک شدن کل در کوزه کوری با آجر نری کاشی
 و هرگاه نام صاف بیرون آید عمل را مکرر کنند تا کج زرمی و رنگینی که مطلوب باشد و شکندگی و نامافی رفع کرد و صفت قالب کلس السیف
 بسکه عمل و غیر کرده هر نقش که کنند لایال مکرر کرده باز در سر که گذارند و در زین کل کنند تا صفت قوی را تا نصف بس
 بکل حکمت بگیرند و طلای منشوش را خورد کرده با سوزن آن تیز آب فاروقی در قوع مذکور کرده بر روی آتش زغال بپوشانند تا
 سیاهی بسفیدی رسد پس در ظرف مزجی ریخته صفا چس در آن نکلند در بیوقت آنچه از نقره بر و مخلوط باشد بر روی تیز آب
 ملاصق میکرد و طلای صاف در تحت ظرف جمع میشود و هر چه از سایر متفرقات با او مخلوط باشد تجلیل می رود و تیز آب فاروقی در دست
 حل چهارم در کرفن بعضی از آنها در سیر اجزا و بعضی در غیر بعضی از آن صفت میاید از آنکه آبت که رفع شعله کبریت که
 گرداند و در عمل شرف جزو اعظم است و باعث جریان او و ارض یارب را عقد کند و معقود را جاری سازد و تشییع نماید و اگر کثافت
 شده و از جرات دانسته اند کبریت کل دغلی را با نموی سر با تسویه تعظیم کنند و بان تسقیه شرف نمایند و بدستور طبع العطل و نوشتار
 از هر یک یک جزو در سر که حل نمایند و در قطن تر و نور تازه از هر یک ده جزو با سر که مذکور سائیده تعظیم کنند و با مقطر آن اجزا
 سعی نموده اعاده تعظیم نمایند تا چند دفعه در عقد ارض یارب و تشییع جریان بی عدیل دانسته اند آب دیگر که تسقیه آن شرف
 و در نقل شتری بر تبه اعلا از جرات نموده اند از براده حدید و براده نحاس که مزوج با یکدیگر نموده با زعفران ترتیب دهند و آن
 با سر که تعظیم کنند و چند بار در مقطر نموده مکرر تعظیم کنند و نزد اکثر مقطر مکرر زعفران اجدید با سر که مقل مشربیت آب دیگر
 با سر چندان او سر که تعظیم کنند جهت تکمیل کبریت و زینق در صاص بد تشییع بعد از است و باید مکرر بان تسقیه و سعی نمایند آب
 بوره ارضی و بوره سرخ را با سفیدی نیم سرشته و کوره سفال بسوزانند و تا نه مرتبه عاده عمل نمایند با غفلت بالتسویه تعظیم کنند و
 اجساد را حل کنند و در تقید و ساختن معادن و الحاق و ضیق آن بشریف از جرات دانسته اند ایضا کبریت را با دوزن او آب

فوق مستقره... چهارم... ودر وقت شستن با دستها... ودر وقت شستن با دستها... ودر وقت شستن با دستها...

سینه و...

و در وقت شستن با دستها... ودر وقت شستن با دستها... ودر وقت شستن با دستها... ودر وقت شستن با دستها...

Handwritten marginal notes in Persian script, located on the left side of page 39.

Handwritten marginal notes in Persian script, located at the bottom left of page 39.

شم غفلت در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است و در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است
 که در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است و در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است
 از هر یک چهار شش است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است
 این دوا در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است و در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است
 خروج ریه و حمله و گزیدن سنگ دیوانه تا از آب نرسد باید با سلطان محرق داد و هرگاه از آب نرسد مخلوط سازند با شوی از و در وقت
 الحار و معده خالی است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است
 و جهت در کرده آب کرفس و در سایر علل با طبع سنج افیمون و میزورانه بیرون کرده و قدر شربت و مدت مزاج بدستور ایجاب
 صفت آن شحم غفلت است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است
 در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است و در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است
 سکنج تر متاف سنبلیله از فرود زراوند هر چه یک در دریم با عمل بر ششند و بقدر حاجت استعمال نمایند یا درج و در وقت خواب یا در وقت نشستن است
 بر سنی قیده شده جهت رفع سودا و بلغم و داء القلق و امراض باره و دماغی و عصبانی با مطبوخ که در ایجاب لوفایا مذکور است با عمل
 نمایند و معده خالی است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است
 خوشنجام ده دریم که در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است و در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است
 در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است
 بقدر حاجت عمل بر ششند استعمال نمایند یا درج و در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است
 باشد و جهت غم و خوف و سایر علل سوداوی و بلغمی نافع و قدر شربت و مدت مزاج بدستور ایجاب سابق است صفت آن جنطیانا
 در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است و در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است
 زعفران از هر یک یک دریم و نصف میر سجد در هر یک با عمل بقدر حاجت بر ششند یا درج و در وقت خواب یا در وقت نشستن است
 امراض باره و دماغ و معده و معاصر تشنج و صدمه و ضرب و شکستگی اعضا در در پیلو و معده و نفث الدم و در وقت خواب یا در وقت نشستن است
 تا چهار دریم در درام صلبه با سکنجین بنوشند و نماد کنند و جهت و درم چشم با آب عنب القلق و جهت و درم مقهور باروغن کل سنج و جهت
 با سرکه نماد نمایند و در امراض دهن غرغره کنند و قدر شربت و مدت مزاج بدستور ایجاب سابق است صفت آن جنطیانا
 عید لکن الهسان فجاج اذ غرقه الطبع سرد و نفع کوبیده در دیک مغالین کرده با آب بالان ششش و در وقت خواب یا در وقت نشستن است
 بچوشند تا بنصف رسد پس صاف نموده نگاه دارند و صبر سقوطی را یک طل با آب بالان در آفتاب بسیارند و بشویند و میدان در آفتاب
 که خشک شود و بعد از آن با آب ادویه سابقه بدستور در آفتاب مبرر بسیارند تا جمع آنها را جذب کنند و در ساعتی خشک شود پس
 باز زعفران و صبر را چهار شش است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است

که این

شم غفلت در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است و در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است
 که در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است و در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است
 از هر یک چهار شش است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است
 این دوا در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است و در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است
 خروج ریه و حمله و گزیدن سنگ دیوانه تا از آب نرسد باید با سلطان محرق داد و هرگاه از آب نرسد مخلوط سازند با شوی از و در وقت
 الحار و معده خالی است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است
 و جهت در کرده آب کرفس و در سایر علل با طبع سنج افیمون و میزورانه بیرون کرده و قدر شربت و مدت مزاج بدستور ایجاب
 صفت آن شحم غفلت است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است
 در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است و در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است
 سکنج تر متاف سنبلیله از فرود زراوند هر چه یک در دریم با عمل بر ششند و بقدر حاجت استعمال نمایند یا درج و در وقت خواب یا در وقت نشستن است
 بر سنی قیده شده جهت رفع سودا و بلغم و داء القلق و امراض باره و دماغی و عصبانی با مطبوخ که در ایجاب لوفایا مذکور است با عمل
 نمایند و معده خالی است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است
 خوشنجام ده دریم که در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است و در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است
 در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است
 بقدر حاجت عمل بر ششند استعمال نمایند یا درج و در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است
 باشد و جهت غم و خوف و سایر علل سوداوی و بلغمی نافع و قدر شربت و مدت مزاج بدستور ایجاب سابق است صفت آن جنطیانا
 در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است و در وقت خواب یا در وقت نشستن است و معده خالی است
 زعفران از هر یک یک دریم و نصف میر سجد در هر یک با عمل بقدر حاجت بر ششند یا درج و در وقت خواب یا در وقت نشستن است
 امراض باره و دماغ و معده و معاصر تشنج و صدمه و ضرب و شکستگی اعضا در در پیلو و معده و نفث الدم و در وقت خواب یا در وقت نشستن است
 تا چهار دریم در درام صلبه با سکنجین بنوشند و نماد کنند و جهت و درم چشم با آب عنب القلق و جهت و درم مقهور باروغن کل سنج و جهت
 با سرکه نماد نمایند و در امراض دهن غرغره کنند و قدر شربت و مدت مزاج بدستور ایجاب سابق است صفت آن جنطیانا
 عید لکن الهسان فجاج اذ غرقه الطبع سرد و نفع کوبیده در دیک مغالین کرده با آب بالان ششش و در وقت خواب یا در وقت نشستن است
 بچوشند تا بنصف رسد پس صاف نموده نگاه دارند و صبر سقوطی را یک طل با آب بالان در آفتاب بسیارند و بشویند و میدان در آفتاب
 که خشک شود و بعد از آن با آب ادویه سابقه بدستور در آفتاب مبرر بسیارند تا جمع آنها را جذب کنند و در ساعتی خشک شود پس
 باز زعفران و صبر را چهار شش است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است و در بعضی نسخ زعفران و صبر را چهار شش است

بسیارند و استعمال کنند در وقت حاجت و بعد از شستن با قدر شربت آن وزن یک دریم است با یک گرم بجهت سنگ شانه و کرده باب کرفس و در آن
 دو حبه در مده و کبد با ماء الاموال جهت نفوس و با نمده و قوتی در در معامل بقدر یک نخ دهر روز قبل از طعام با آب گرم سه مرتبه بخورد یعنی آن شربت
 جهت در مده که از برودت باشد و سودا و در قوتی در در معامل بقدر یک نخ دهر روز قبل از طعام با آب گرم سه مرتبه بخورد یعنی آن شربت
 چند پند استرغیون در کسب بیکتقال مفضل و در مفضل قسط صلا از هر یک شش مثقال زعفران یک مثقال در بعضی نسخ شش مثقال تا نیم مثقال است
 مؤفوفه و تو سارون از هر یک یک مثقال او ویرا کوفته و پنجه با عمل کف گرفته بهر شش و بعضی طبایا با عمل یک سکه به شش داخل میکنند قدر شربت
 تا در مثقال بقدر حاجت بعد از ششاه استعمال نمایند و ماء الکبیر جهت بیماری بالرز و سردی و سوداوی که نه و سرفه کنند که از ماده و رطوبت و برودت
 باشد و در های مزمن و کهنه نافع است و جهت کزیدن مار و عقرب و ادرار لول و ریختن سنگ کرده و شانه و فعل آن نزد یک بغل تریاق است
 آن فلفل بیض شش دریم برزنجی قودمانا لبان و کرم صاف از هر یک دو از ده دریم انبون و زعفران از هر یک دو دریم در بعضی نسخ سیاه
 سداب از هر یک ده دریم کبریت اصغر فلفل و قسط مرز و از لول بقدر اصل الفلفل از هر یک گرم ادویه را کوفته و پنجه و مؤفوفه در شربت
 یا جمهوری فیسیانیده با سه وزن ادویه عمل کف گرفته بهر شش و در وقت حاجت استعمال نمایند قدر شربت یک دریم باب یک گرم و باب کرفس و در
 در معیات سوداوی و بعضی دواء الملك الاکبر جهت معذب و ابتدای استسقا و برودت معده و قوتی سده و ادرار لول و ریختن سنگ
 شانه و کرده و بهترین دوا است از برای حکر صفت آن کک منقح هشت اوقیه با دم کچم مقشره و از چینی قرفل از هر یک پنج اوقیه کمانی
 مؤفوفه و زوای خشک از هر یک چهار اوقیه و قو فطرسالیون زیره کرمانی پنج مثقال از هر یک هشت اوقیه سنبل الطیب که خطبایا ناء روی از ده
 از هر یک یک اوقیه بهر طرفی چهار اوقیه زعفران سه اوقیه اسارون بیفت اوقیه فوه و عید البلسان از هر یک با نزه اوقیه جهت البلسان
 قصب از زیره مقل ارزق از هر یک هفت اوقیه رت الشوس کرفل نیم اوقیه منی حیده از ده از هر یک دو اوقیه فلفل سیاه و قسط تلخ از هر یک
 اوقیه سیالیوسن سه اوقیه و نیم و نیم البلسان سه اوقیه ادویه را کوفته و پنجه و بار و غن لبان پر بنوده با سه وزن کف گرفته بهر
 و در وقت حاجت بعد از ششاه استعمال نمایند نسخه دیک سسی تیریاک الملک حقیق ترکیب نموده جهت تقویت معده و بکرو حشا و تشنج و
 و سنان و تقویت باه و رفع زهر با حفظ طراوت نریزی و تخلیل ریاح و در در حشا و ضعف بدن بجدیل است و در اول سیم گرم مؤفوفه
 و قدر شربت از نیم تم تا یک ل صفت آن قسط تلخ سنبل الطیب سیاه حبه القار قرفل قرفل لباس که کمال زرا و از لول فلفل سیاه بزرگ
 انیسون ناخواه زیره کرمانی فطر سالیون اسارون کبریت زرد انجیران بودنه نفع بزرگ و کندر مکده عال دو قو فجاج از هر یک صاف انیسون مکده
 عود هندی فلفل سفید مکده حل زعفران یک مثقال نیم مثقال فنیون مکده مثقال با دو وزن ادویه عمل کف گرفته بهر شش و دواء الملك الاکبر
 منافع این قریب بمنافع اول است صفت آن ریو چینی یک اوقیه و نیم کک منقح و قسط المر و قجاج از هر حبه القار و ترس و حله و فلفل
 از هر یک یک اوقیه را کوفته و بجزر پنجه با سه وزن ادویه عمل کف گرفته بهر شش و در وقت حاجت استعمال نمایند قریب سیالیون
 پیش حاسب لاد است و از تالیق بقدر حاجت در مده که از ماده بارده باشد و بهر طعام کند و نافع است جهت تخلیل ریاح و در در کبر و سردی
 بجان صفت آن نیم گرم زهر کرمانی عیدان البلسان سیاه قودمانا فجاج از هر یک کرفس از هر یک یک گرم و در فلفل قسط تلخ فلفل

از هر یک نیم گرم

یک نیم گرم مرصاف سه مثقال قارده عدد و زعفران از هر یک دو گرم با عمل کف گرفته بهر شش و در وقت حاجت با یک گرم و با
 دواء السنه که بجهت سنگ شانه و کرده در تمام سال استعمال میشود لهذا باین ارم می گشته منقول از ذخیره و سایر کتب
 خواص آن بیان نموده اند که چون یکماه خورده شود می سفید شده سیاه بیکر دو چون تمام سال مداومت کنند جهت تقویت معده و با برودت
 ت زبان و برودت اعضا و عروق و تقویت کرده و شانه و باه و قوت حافظه و رفع امراض بلغمی و سوداوی و جذام و بقی و برص و بواسیر و حفظ
 رت غریزی بجدیل است پوست بلبله کابلی بلبله سیاه آمله مقشر پوست بلبله زرد پوست بلبله شونیز فلفل سیاه و از فلفل سیاه
 فلفل پنج سسل فلفلونه نار ششک قاقله صغار کبابه بلاد منقح از غسل زعفران ششک مؤفوفه مغز خیار سیات ادویه را
 بر یکدراییده با نبات سیرشته سیمند و شفت و پنجه قسمت کرده قرص بسیارند و روزی یک عدد تناه نمایند در نسخه ذخیره بلبله زرد و بلبله
 غنچه و مؤفوفه و تخم خیار مقفود است و در بعضی نسخ اشق و شونیز بنظر رسیده و در بعضی نسخ سستین رومی افزوده اند و دواء الخطاطی طیف
 ت در کلو و درم کلو و انواع خنق و درم سینه و شش که از رطوبت باشد صفت آن انیسون نیم گرم فلفل ناخواه از هر یک سون آهن
 فی شب یا می نیم حر اصل الشوس کک کک سیلیخه و از چینی مرصاف زرا و از لول از هر یک یک اوقیه قسط المر اقراص اقرو قو معا و در یاس منروع
 قجاج از هر یک اوقیه را و الخطاطی طیف تازه از هر یک سه اوقیه زعفران یک اوقیه ششک سنبلی الطیب از هر یک نیم اوقیه مازوی
 ک تازه ده عدد ادویه را کوفته و پنجه با عمل کف گرفته بهر شش و در وقت حاجت استعمال نمایند در نسخه ذخیره بلبله زرد و بلبله
 کس و کل سرخ و اصل الشوس و طلا نمایند یا بر مزج از داخل کلو سه مرتبه یا چهار مرتبه در روزی دو غره کنند از آن با یکی از بهای مذکور
 شش روزی سه مرتبه یا چهار مرتبه نافع است ان شاء الله تعالی صفت آن قرص اقرو قو معا که استعمال است در دواوی خطاطی زعفران
 پسنی از هر یک دو مثقال کل سرخ حما و قسط از هر یک یک مثقال مرصاف چهار مثقال اصل سوسن سماخونی ساوج هندی از هر یک دو مثقال
 ادویه را کوفته با شرب یا آب که قوام شرب باشد و در تمام مثقال در سایه خشک نموده استعمال نمایند دواء الکک که کبیر
 مرکبات جالیوسن است بجهت دردهای کمنه کبر و سپر زرد برودت و غلظان و یکیشا بدست پیچ آلات غذا را بر کند و میکند با دهای غلیظه را و ادرار میکند
 به صبح دردهای شانه و کرده و در کمر که از مواد غلیظه باشد و از برای سلمات رحم و شانه و جهت استسقا و غیر آن نافع است صفت آن زعفران
 مؤفوفه سنبل الطیب انیسون دو قو اسارون راوند فطر سالیون قسط تلخ سنبل الطیب از هر حبه القار و ترس و حله و فلفل
 راه قافیت اسعولونیدریون حیده روغن بلسان نیم اوقیه مرصاف کبر رومی عمل بهر شش و در وقت حاجت استعمال نمایند در نسخه ذخیره بلبله زرد و بلبله
 خیر موافق کامل جهت در در کبر و سپر زرد و ضعف معده و امراض شکم و زرداب نافع است و رنگ زرد را را میگوگردانند صفت آن
 سنبل الطیب ریوند زعفران سیلیخه از هر یک دو گرم و از چینی مرصاف المر فجاج الاذخر از هر یک یک گرم ادویه را کوفته و پنجه با سه وزن
 عمل کف گرفته بقوام آورده بهر شش و در وقت حاجت استعمال نمایند و در اکثر نسخه اجزاء مزبور ه مناسبت و براد شش باید فیسیانید
 قسط تلخ و آن معجون بلاد دست جهت استسقا و غلب و دوا در نسیان و خیلات و مرصاف و در سردی معده و در دسینه و صبح
 دهای بارده صفت آن سنبل الطیب ساوج هندی ارمغانی سیلیخه زعفران و بعضی طبایا ششک و در بعضی نسخ قودمانا فجاج از هر یک

از هر یک نیم گرم

افعیون او فریوختی لبالبان معشر قرفل از هر یک یک اویزه معکلی و عمل آنرا که عبارت از بلاد باشد از هر یک دو مثقال و مثقال
 زنجبیل بر سر قوطری از هر یک یک اویزه فالقیون هشت مثقال اصل السوسن الا ساجونی دو اویزه پوست سنج را زبانه ستره اصل خرما سه قطره که
 نیم رطل باشد اویزه یا کوفته و پنجه فیروز را زبانه که آن را سه روز در سرکه خیسایند بعد از آن در دیگ پاکیزه کرده دو سه جوش داده
 بکیزد و صاف کنند و با زردی که نموده سه رطل اصل آن ریخته با شش نرمی بزند تا بقوام غلیظ رسد پس اویزه مسوقه را با آن ریخته مخلوط سازد
 و بعد از ششماه استعمال نمایند قدر شربت یک مثقال با آب نیم گرم و بخت فایز و لوقه و استرخا با آب شربت بنوشند و حبه تا حبه سده که
 و سپرز برودت رحم و اورا ریح و لول و کللیل با پای غلیظ که در شکم متولد شده باشد و جهت تهرای که از ماده بارده باشد مثل ریج در
 و سرفه که از رطوبت باشد و سستی و انقباض نفس صفت آن غم مل کیم و نیم لبان ذکرده هم بریزد یعنی زرا و نذ طول و مدراج از هر یک
 مثقال زرباد و در وی از هر یک چهارم معکلی و حب البلبان و زعفران و اکلیل الملک و سنبل الطیب از هر یک ده هم اینست
 قطره مسلیه از هر یک سه اساتیر سعده اساتیر صبر قوطری چهارده هم قرفل سیاه ده هم قرفل شش مثقال فربق پیچ و دانه و شنبلیله
 از هر یک شش اساتیر اویزه را کوفته و پنجه به عمل کف گرفته سه وزن اویزه بریشند در وقت حاجت استعمال نمایند در وقت کوفتی
 منافع این مثل منافع اول است صفت آن زرباد و در وی از هر یک سیون سیمون المومس بزنده الیغ قسط جلد سنبل الطیب
 جاوشیز از هر یک شش مثقال جلیند سه مثقال مرادنا سفید و مثقال معیز زعفران از هر یک شش مثقال قنده مرصاف از هر یک دو وزن
 مثقال اویزه را کوفته و پنجه با سه وزن اویزه بریشند تا با سیاه المعونه بکشد الذئب نافعست جهت مویهای جگر و در و قرد
 امعا و سپرز و در و عصب را و جهت خدر هرگاه طلا کنند بر بدن مثل مرهم و جهت درد کرده و عرق نفس و سرفه که از کثرت رطوبت مجتمعه
 باشد و قطع پیش و زرف الدم و نفت الدم کند و هم می آورد قطع و در و جگر که عبارت از او رده است و نافعست جهت مفاصل هرگاه طلا کنند
 با آن مثل مرهم جهت موم مشروب با شیر بنوشند و این مرکب از جهت آن معنی باین است که آتشیدن آن دور میکند شراب از
 از امر اض با ذن الله تعالی و کوشش بعد از چهار سال ضعیف میشود و صفت آن زعفران مرصاف ایون چند بیدستر بزنده الیغ قسط المرزوقه
 تخم خنک سیاه سنبل الطیب اصل الغافق با هارۀ فافت بکر که است ساقه است سوزنه از هر یک یک و اویزه را کوفته و پنجه و اویزه سیاه
 با شرب صاف جید المومس یا با جودسی یا با شکر یا با بنبید زیب و عمل خیسایند با سه وزن اویزه بریشند و بعد از شش
 استعمال نمایند قدر شربت از ریج مثقال تا نیم مثقال تا با سیاه المعونی جهت درد جگر و سرفه و در و معده و باد با فربق امعا و قرد سیون
 و برای موم هموم بسیار نافع است صفت آن معیز سیاه یا با زعفران قسط المر سنبل الطیب مرصاف عیدان البلبان ایون سیون از
 چهار مثقال معاره فافت هشت مثقال اصل السوسن محکوک دوازده مثقال اویزه را کوفته و پنجه با سه وزن اویزه بریشند و بعد از شش
 و بعد از ششماه استعمال نمایند القسط ارغان الا کین و هی الفصیحیه جهت سقوط جنین و وجع اشتاء و وجع امراض بارده
 و این دوای هندیست صفت آن ایون چهار اساتیر و چهار دانگ فربق شش مثقال سنج اساتیر و چهار دانگ حماما سه اساتیر و چهار
 دانگ عا و قرفل شش مثقال باشد که هزار جشان است و فاشترین که شش نبدان است از هر یک چهارم ابریشم قرفل دو اساتیر

مخوق شش در هم تخم سداب و ناخواه و شکوفه کرفس از هر یک چهارم کل مسخ منک اسنک کاج کچله هر یک شش مثقال کرفس معال زریق
 البلبان قصب الزریه سیله زرباد و در و شش طبع هندی از هر یک دو اساتیر بذرا الیغ الا بیض نذ اساتیر دو و در نیم سنج کرفس
 هم تخم خرفه ده اساتیر حب الخروع المعشر شست اساتیر کبریت الصفر سنج اساتیر معنی عربی معیه سالیله سالیله اساتیر دو و در نیم سنج کرفس
 م و چهار دانگ و قرفل سنج اساتیر و چهار دانگ قرفل شش اساتیر سافج هندی سه اساتیر و چهار دانگ قافله که با پانصد دانگ
 ت و قرفل ذکر سنج اساتیر قرفل شش سه اساتیر افزوده و چنان دو اساتیر دو و در نیم سنج اساتیر و چهار در هم در او ریخته
 ستار و دیگر هم زوفا و مراره البقر از هر یک دو م زرا و نذ طول نه اساتیر زنجبیل فلفل سفید از هر یک پنج اساتیر المومس و بعضی گفته اند که کل
 است بوزیدان از هر یک دوازده هم سور بارو که نارنگ است دو اساتیر دو و در نیم سنج اساتیر و سفید از هر یک دو اساتیر
 روانک مراره الذئب و مراره القصب و مراره الغراب از هر یک یک هم اویزه را نیم گرم سافه و موم عا در شرب فربق خیسایند تا
 و بعد از آن اویزه نیم گرم مذکوره را پنجه بران ریزند تا همچو لعوق شود و در دیگ سنگین پاکیزه کرده بعد از پنج جوش از بالای
 ش بر دارند و سرد کنند طبع الصبیحه العرجا کبرند کفتر لنگ ماده پیر زنده را و بنهند دست و پای آن را بعضی بعضی و پند
 کس و بریزند بالای آن ترس ایون شست از هر یک یک کف و آب شیرینی بقدر حاجت بسوزد و آب شربت زرا و نذ طول و با شش نرم بریزند
 شود و بعد از آن از آتش بکیزند و سرد کنند و شور بای آن را از پوست و استخوان و موی آن پاک نمایند با زرشور بائی از او در دیگ پاکیزه
 بریزند بران از روغن لسان و روغن نارودین از هر یک یک سکر چه و با شش نرم بریزند تا شش باقی ماند بعد از آن عمل بقدر شور با
 ریخته بریزند تا قوامش همچون قوام عمل غلیظ گردد پس بریزند بران اویزه معجزه را و سوزند و از آتش برداشته در ظرف شیشه گذاشته است
 بعد از ششماه استعمال نمایند و قبل از ششماه اگر استعمال کنند منک خواهد بود و قسط ارغان الا صخر حب البلبان کندش حماما
 است پنج علاج اشسته سیله اشش لبان ذکر اصل السوسن محکوک عیدان البلبان تخم فلفل زنجبیل سکنج جاوشیز دار میمن چند بیدستر نذر
 شش نبدان شیلج هندی تخم آنج و کرفه با زرا و نذ طول و قاطی ایویه سکودت القاره و درم الاوین از هر یک دو م زعفران فلفل زرا الیغ از
 یک ده هم فربق هفت هم المومس قرفل و سافج هندی و تخم المکرکن فربق پیچ مراره الفیل و قسط الماز از هر یک چهارم طلا و نقره سائیده
 یک و دو دانگ سیون یا زرد هم ابریشم خام بلج هندی لسان ذکر و کبریت بحری سوخته و قنده و خیار شنبه که پاک کرده باشند از دانه
 ب و قرفل و طلا سیفر و پنجه شاه دانه و برنج کابل ناخواه و صقر فارسی و پنجه زوفا و حب الکبر از هر یک یک هم اویزه را کوفته و پنجه و موم عا
 در اب ریجانی کینه خیسایند با سه وزن اویزه بریشند و بعد از شش ماه قنده است استعمال نمایند اصغر سلیم جهت موم سوز
 البلبان و در و در حصف آن فلفل سفید و زنجبیل بلج هندی و قسط الماز از هر یک شش هم ایون و فربق و چند بیدستر و زعفران و قرفل
 کل و عا قرفل از هر یک پنج هم سعده و هزار جشان و فاشترین که شش نبدان است و زرباد و در و زرا و نذ طول از هر یک دو م و در نیم
 لسان و ماده الکافور از هر یک چهارم اویزه را کوفته و پنجه و زعفران لسان و ماده الکافور بر نموده با سه وزن اویزه بریشند و بعد از شش
 وقت حاجت بعد از ششماه استعمال نمایند موم سوز آن قبل موی آب مرزنجوش نافع است کل کلاب الا کین و ایون هندی است جهت

نقد و تحریف

کندر زرد کج
در این کتاب

زرباد و در و در و کافور
سه درم سیون
منک

Handwritten text at the top of the right page, including a page number '52'.

Main body of handwritten text on the right page, written in a cursive script.

Handwritten text at the bottom of the right page, possibly a signature or date.

Main body of handwritten text on the left page, continuing the script from the right page.

Handwritten text at the bottom of the left page, including a page number 'صفحة ان م'.

مفاصل و عرق النساء و سلس البول بجايت مانع است او را باي که گویا که چون به دست آورده است
 آن نرم صلابه نماید که با زمان میل زیناد و هندی اسطوخودوس و زعفران و زنجبیل و کنگر و کرفس و سوسن و زعفران
 سیاه و گل سرخ و زرن او و به شربتی از یکمقال باد و مقال هارومت نمایند همچون مسهل منقول از ترفیض و تذکره مسهل منقول
 حرق و مواد جذام و ماده حییات و عطش است نیمه مطی الی بخار را از اول آن ترمندی و هر یک از عناب و سیستان و زینب و زعفران
 و کافور و صندل و زرد از هر یک چهار مقال در آب نیمه ساق
 و باسی مقال در بچین و یکوزن او و یکوزن کتیرا و صغیر و سقونیا و نشاسته از هر یک پنج مقال انصاف کنند که
 که در اسهال قوی تر شود تجربین را دو وزن او و سقونیا را انصاف نماید قدر شربش تا هفت مقال همچون منقول از ارشاده مذکره
 طبع انطاط بارده و فضلات بلغمیه و جهت او را در نمودن حیض نافع و رنگ و رخسار بشه را رنگو کرا اند و گفته اند که جهت برص مرتب
 روزی بی هفتاد درم استعمال نمایند و قطع کنند پس سه روز دیگر عود کنند و وقت ابتدای استعمال او خوب است که فرشته در تعقل کرده
 با بلبل ایل افیمون دو وزن از هر یک پنج مقال قرفه و دار فلفل از هر یک چهار مقال جوز بوا عاقر قرحا شیطرح از هر یک دو مقال با بل
 شوند فلونیا ی روغن منقش مثل منافع فلونیا ی فارسی است لیکن انفع است از آن در قوی و مسهل کرده و شانه و منقش النفس
 پنج و سل و خواتیق و نزلات و فساد بان و دندان و اسهال و ضعف بجز و این خواست و آن اینست و هر دو مفید همین مذکره که انکار
 در طوره و همه نمایند و حاجت نباشد استعمال نمایند و اجزای او بعینه اجزای فلونیا ی فارسی است باز یاد تی سلیخ و مسافج هندی و روغن
 ن فلونیا ی فارسی است که قطع خون و تقویت انضای و حفظ جنین و صداع و سرزد و ضعف معده و تقویت باه و قوتش تا چهار سال باقی ماند
 ز شش باه استعمال نباید کرد و قدر شربش تا یکدر هم فلفل ایض بزرد اینج از هر یک پست و پنجه درم افیون طین منوم فوه نیم گرم کرفس
 بهل اسارون نانخواه را از اینج سنبل قسط بادام تلخ از هر یک پانزده درم مغز تخم خربزه پنجه درم اشق سردرم با عمل و شربش بشند
 بعضی نسخه زعفران پنج درم قرحا فریبون از هر یک دو درم زرنبا و در روغن کوه مشک از هر یک نیم درم کافور یکدک نیم
 درم زینب و زعفران چهار درم زعفران سفید از هر یک یک درم بر ششخاء ای برکات منقول از خط استادی ابوهریرم حکیم محمد باقر طاب
 در بهتر از همه بر ششخاست بزرد اینج فلفل سفید از هر یک یک درم پست تم افیون ده درم زعفران پنج درم عاقر قرحا عود سنبل الطیب سیلیخ
 و صمغ سرخ و سفید از هر یک دو درم عود بلسان چهار درم زینب و زعفران سفید از هر یک یک درم روغن بلسان پنج مقال اگر نباشد بل
 ن زینب کسند فلونیا ی خاصه که حکیم محمد باقر طاب شراه ترتیب داده در جمیع از جمله موافق است بزرد اینج فلفل زعفران و مسهل
 در غیر مشک لیشب مرادید و روغن طلا یا قوت بسند لعل عاقر قرحا فریبون نیم با در جوید پوست تربچه بوزیران بجمین سفید و قوباد و جوید
 که بر ترکه پوست پرون پسته مکد که کبر با و روغن زرنبا در روغن سیاه مکد عاقر قرحا ای مسافج هندی اسطوخودوس و زعفران و زنجبیل
 درون دار چینی ششده حب بلسان عود بلسان غولجان سعد زرنب قسط بجزی جوز بوا بلان العصاره خفیه الثعلب ریوند صغیر غار شون
 فلفل سیلیخ حماما اسالیون ترکی میوه سایله بهل مکد ششده سنبل سفید سنبل الطیب نیم گرم کرفس کل سرخ ششخا سفید و زعفران

مفاصل و عرق النساء و سلس البول بجايت مانع است او را باي که گویا که چون به دست آورده است
 آن نرم صلابه نماید که با زمان میل زیناد و هندی اسطوخودوس و زعفران و زنجبیل و کنگر و کرفس و سوسن و زعفران
 سیاه و گل سرخ و زرن او و به شربتی از یکمقال باد و مقال هارومت نمایند همچون مسهل منقول از ترفیض و تذکره مسهل منقول
 حرق و مواد جذام و ماده حییات و عطش است نیمه مطی الی بخار را از اول آن ترمندی و هر یک از عناب و سیستان و زینب و زعفران
 و کافور و صندل و زرد از هر یک چهار مقال در آب نیمه ساق
 و باسی مقال در بچین و یکوزن او و یکوزن کتیرا و صغیر و سقونیا و نشاسته از هر یک پنج مقال انصاف کنند که
 که در اسهال قوی تر شود تجربین را دو وزن او و سقونیا را انصاف نماید قدر شربش تا هفت مقال همچون منقول از ارشاده مذکره
 طبع انطاط بارده و فضلات بلغمیه و جهت او را در نمودن حیض نافع و رنگ و رخسار بشه را رنگو کرا اند و گفته اند که جهت برص مرتب
 روزی بی هفتاد درم استعمال نمایند و قطع کنند پس سه روز دیگر عود کنند و وقت ابتدای استعمال او خوب است که فرشته در تعقل کرده
 با بلبل ایل افیمون دو وزن از هر یک پنج مقال قرفه و دار فلفل از هر یک چهار مقال جوز بوا عاقر قرحا شیطرح از هر یک دو مقال با بل
 شوند فلونیا ی روغن منقش مثل منافع فلونیا ی فارسی است لیکن انفع است از آن در قوی و مسهل کرده و شانه و منقش النفس
 پنج و سل و خواتیق و نزلات و فساد بان و دندان و اسهال و ضعف بجز و این خواست و آن اینست و هر دو مفید همین مذکره که انکار
 در طوره و همه نمایند و حاجت نباشد استعمال نمایند و اجزای او بعینه اجزای فلونیا ی فارسی است باز یاد تی سلیخ و مسافج هندی و روغن
 ن فلونیا ی فارسی است که قطع خون و تقویت انضای و حفظ جنین و صداع و سرزد و ضعف معده و تقویت باه و قوتش تا چهار سال باقی ماند
 ز شش باه استعمال نباید کرد و قدر شربش تا یکدر هم فلفل ایض بزرد اینج از هر یک پست و پنجه درم افیون طین منوم فوه نیم گرم کرفس
 بهل اسارون نانخواه را از اینج سنبل قسط بادام تلخ از هر یک پانزده درم مغز تخم خربزه پنجه درم اشق سردرم با عمل و شربش بشند
 بعضی نسخه زعفران پنج درم قرحا فریبون از هر یک دو درم زرنبا و در روغن کوه مشک از هر یک نیم درم کافور یکدک نیم
 درم زینب و زعفران چهار درم زعفران سفید از هر یک یک درم بر ششخاء ای برکات منقول از خط استادی ابوهریرم حکیم محمد باقر طاب
 در بهتر از همه بر ششخاست بزرد اینج فلفل سفید از هر یک یک درم پست تم افیون ده درم زعفران پنج درم عاقر قرحا عود سنبل الطیب سیلیخ
 و صمغ سرخ و سفید از هر یک دو درم عود بلسان چهار درم زینب و زعفران سفید از هر یک یک درم روغن بلسان پنج مقال اگر نباشد بل
 ن زینب کسند فلونیا ی خاصه که حکیم محمد باقر طاب شراه ترتیب داده در جمیع از جمله موافق است بزرد اینج فلفل زعفران و مسهل
 در غیر مشک لیشب مرادید و روغن طلا یا قوت بسند لعل عاقر قرحا فریبون نیم با در جوید پوست تربچه بوزیران بجمین سفید و قوباد و جوید
 که بر ترکه پوست پرون پسته مکد که کبر با و روغن زرنبا در روغن سیاه مکد عاقر قرحا ای مسافج هندی اسطوخودوس و زعفران و زنجبیل
 درون دار چینی ششده حب بلسان عود بلسان غولجان سعد زرنب قسط بجزی جوز بوا بلان العصاره خفیه الثعلب ریوند صغیر غار شون
 فلفل سیلیخ حماما اسالیون ترکی میوه سایله بهل مکد ششده سنبل سفید سنبل الطیب نیم گرم کرفس کل سرخ ششخا سفید و زعفران

از اینج
 مسهل
 و روغن
 کافور
 و زعفران

زعفران کرم نباشد در وقت خواب نبوشند در زمان بارد پانزده روز در زمان عا هر سه روز یکبار با آب کرم در وقت بیدار شدن
 و عذر نمایند در فلفل خشک که سوسو در آن صاحب صدای باره مقدار جبهه باب هر پنج روز یکبار سوسو نماید صاحب بقوه و در امر
 مقدار جبهه بدان گرفته آب را ابتلاع نماید در هر روز که نماند تا زده بلغمی بعینه برزخوش مقدار جبهه جهت صیق النفس در بوابت زیره و
 در وجع فواد و امعاء با آب رطبه و اگر متعقد باشد بطبیخ زیره و جهت وجع سپرز باماء الورد و فلفل خمر و جبهه در پهلوی شرب ماء الاشول و جبهه
 آب و غسل هرگاه از ماده باره باشد و اگر از سده باشد پس بجاء الاشول و جهت مطبوع باماء الاس هرگاه ضبط شکم خود نتواند کرد و جبهه
 باقی کرم شده باشد در آفتاب در تابستان و در زمستان بجلاب بیکرم و جهت تهرمای بالزهرکاه با وجع فواد باشد باب و جهت
 مرکبه بطبیخ آن و جهت زجر باب بزرقطونا و آب بیکرم و جهت حصاة باب سداب و با لوزق ترب و جهت پسماری که خواب کشند بطبیخ
 و جهت بوا سیر باماء است و جهت ثقل اسان جبهه باب سماق و جهت غم غم سبب باب کاسنی و جهت جماع باماء المحض المطبوخ و جهت فقر
 فرورد و جهت زنی که بجزیره و فلفله اسان قطع نشود باب حله و جهت هم باب حله و جهت کسی که اینون خورده باشد بطبیخ دارچینی و جهت کسی که
 خورده باشد بطبیخ عود باماء الورد و جهت آن عقرب بعل و جهت کزیدن افامی جبهه هر روز و هر چند کند باز نبوشد تا قی ساکن گردد و
 درین آنست که مار کزیده وقتی که پاک شد خواش میرد و همچنین در هر تم قتالی و جهت ماده که در کرده بهر سیده باشد بطبیخ نخاله و زهر
 جبهه ترغ زیادتی خون حیض باب سماق و جهت حسه خون حیض بطبیخ غناب و میوز و جهت قوی بطبیخ الصل السوس نافع است صفت

در فلفل

فلفل و در حسنی خطیانا سفید خند پیدستر از هر که کم چهار درم سنبل الطیب فلفل او هر روز از اول صبح تا آخر روز یک درم و در وقت
 زعفران کرم ایسون کرم کرس بزهرکاه پانزده متقال فلفل سیاه بیست و دو متقال و نیم فلفل نو اسارون از هر یک که فلفل
 زخمیل فودنج خشک از هر یک هفت متقال روغن بلسان یاروغن کل سنج ده متقال مسل ۵۰ متقال بقدر کفایت نسخه دیگر
 در طبع کترین نقل شده و مکرر تجویز عقیر رسیده است و در اکثر خواص بهتر از میوز و دیوس است و جبهه تب ربع مکرر تجویز رسیده است
 سه سلیله که در یوس مرصاف زعفران حرف خطیانا که آملین مخموم ایسون سنبل الطیب صمغ عربی خند پیدستر فارلیقون کلمه
 مال اقا قیایه یوفاریقون فطر اسالیون مکده آتصب الزریره و ارشیتیان حب القار عصاره لیمه التیس مکده زرا و فلفل برون
 ای اسارون حماما جعه روغن بلسان مکده و نیم بدل روغن بلسان زیت العنتیق است دو چندان او باد و وزن من کبرشند
 یا ق برع الساعه از اطباء طهریه الدین عماد الاسلام فارسی شاکر دوا اسطرلابی برکات که بر روز نوشته و فلفل کرم فلفل صمغ
 ده ام فلفل سفید و سیاه بزهرکاه ایسون زعفران فرفیون سنبل الطیب عاقر قرحا غسل دوزن ادویه و بعد از شش
 استعمال نمایند و منافع آن و طریق شربت او در هر طبعی که بر شش عتاد کور شد و در بعضی نسخ فلفل کرم رسیده است و درین
 صورت مایل برودت جرت باشد با فلفله مایل بجزارت که کمالی فلفل مائل کبر که بیونانی مویطرا و بالفعل مخلصه میهند و جبهه
 و مکرر کنند و فلفل و در حسنی و در حسنی که از رطوبت یا شکر معوط نماید از آن
 حال کسند و جهت درد دندان و کزیدن هوام و درد شش و پهلوی و شرا سیف و جگر و جهت اس بول و تنقیه شانه نافع و جهت منع نزله باماء
 شند و در وقتی که خون با آب بارشک یا آب صمغ الاراعی و در هر دمعه و ریاح غلیظه باقی که در آن خم را زبانه جوشانیده باشند و در دمای
 لب روده و درم آن و در فکری و توحش سوداوی در غشه و در سپرز بستر و طلای آن بر قویب هیچ باه و تقوی قنیب و تقیه بقدر نیم
 ب طبیخ حله جبهه در شکم که از برودت باشد مفید است و آنچه از اوزان بسرخ نوشته شده موافق تجربیات ابوی ره است مرکب سیاه
 ج افخرا زهرکیت و قیه و نیم خند پیدستر فطر اسالیون از هر یک ده اشغال و در بعضی نسخ ۳۰ متقال کرم کرس و ادویه سیاه ایوس کیمتقال
 در المراد از حسنی اقراض از مجموع سیاه اسارون از هر یک شش متقال فلفل ایض دوازده متقال و در فلفل چهارده متقال فلفل ده
 دران حماما از هر یک عمال قدر شربت مایکرم و در بعضی نسخ ایسون ده آ در فلفل عمال سنبل عمال و در بعضی نسخ سنبل عمال است اقراض
 معجور اقراض مذکور است و از زنی بقدر شش متقال داده بی اختلاف ادویه و اوزان قسط المرانخواه فلفل سفید فلفل مکده و انق و جبهه
 چینی مصطکی زعفران مکده و انک سنبل الطیب سا فح هندی که در متقال مرصاف ۱۰ دانق حماما و ارشیتیان و قصب الزریره مکده و در انق و جبهه
 نیم مقام او قمر کسند متقال کتد ایسون ده متقال زعفران حماما از هر یک چهار متقال قدر شربت مایکرم و در بعضی نسخ ایسون ده
 فلفل چهار متقال و در بعضی نسخ سنبل هفت متقال است معجون الراج از جوبات حکیم عماد الدین عمده که فرموده که چون روز
 دو ساعت قبل از تب دو نخود تا نیم متقال تناول نمایند البتدر سر زیت قطع میماند است حجت اولو جبهه حلیت فلفل و در حسنی
 و نیز مرصاف میوه ساکد از هر یک سه ام ایسون سداب فلفل از هر یک یک م عمل بوزن صمغ بر شند معجون و در کس

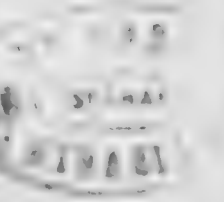
کرم کاسنی

کاسنی تخم خرفه از هر کدام ده مثقال کوفته در آب مطبوخ شسته که خسته اند با آب پسته و انار شیرین و انار شیرین و انار شیرین و انار شیرین
 با دوام مغز فندق مغز گردکان مغز بلغم زده ال و مانند هر یک کوفته در عسل گل کنند از آن با آب پسته و انار شیرین و انار شیرین و انار شیرین
 عمل کرده و پست متقال چوب چینی را جو شاییده آب آن را با عسل بقوام آورده و او را بر سرشته و بغایت در افعال صحت
 مایه نموده است همچون مهبی که جهت توالدافع است اگر غلطی غالب باشد اول تنقیه نماید و بعد از آن پست یوم هر شب
 متقال مرد و نیم متقال زن شود نماید و از مابشرت درین ایام جهت ناب کند و از مفرات باه بر پسته نماید همین سرخ و سفید بفرغ
 کند کبار و از چینی از هر یک ده مثقال مرد و از پسته فلفل زنجبیل قرنفل نارجیل کینج سافج هندی برک قرنفل نیم وزن آن قرنفل
 می توان کرد و اگر سافج سیاه نیم وزن در ق کسند بهتر است و الا نصف سافج و نصف قرنفل بدل کنند جزوایم متقال زعفران
 متقال با سه وزن او در عسل سرشته بعد از چوب یوم استعمال نمایند همچون مهبی این جمع مؤلف را ساد گوید که در پست
 کل ریح غلیظه و مسکن مغز و قدر شترتیش تا چهار مثقال کل کل و زبان تخم تریتیک از هر یک یک و نیم مثقال و اگر نماند
 کند پسته یا پسته اعرافی یک و سیدس خصیمه الثعلب زنجبیل فلفل مغز فندق سنوبر کبار تخم ترب متقال تخم شلغ از هر یک یک و نیم مثقال
 سینی نخود سفید مغز بادام کینج پسته خشک شش سفید کند از هر یک چهار جزو با شترت سبب دو وزن او در پسته سرشته
 مؤلف مذکره عجیب الفعالت در بر این کینج باه و نفوس و تقویت و حرارت غریزی و فربه کردن بدن و تولد خون صالح و اصلاح می و در
 ت جماع و ضعف آن و نخود سفید پوست و اگر که آب تریتیک تازه سه بار بنیسانیده و خشک کرده باشند خشک خشک مسوق
 در مثل آن خشک تانها ترتیب داده باشند از هر یک سه و نیم ترنجبین ده مثقال و از چینی خولجان از هر یک شش مثقال
 سل را با نیم رطل آب بیاز بقوام آورند و تخم ترب و تخم جزری تخم انار از هر یک یک و نیم مثقال از هر یک نیم مثقال و پسته نیم مثقال
 شت قیرا یا زهر و نیم در هم زعفران و شش قیرا و شش راد کلاب کل کرده بدان تسکین کنند و هرگاه قوی تر خواهند مفر کرده
 ب سنوبر نارجیل تخم شلغ مغزین و همین سرخ و سفید تخم رطله تخم کتان از هر یک یک و نیم مثقال کینج شیرین ایسون قرنفل فلفل سفید
 ر نماند پسته اعرافی و یا ماهی رو بیان از هر یک سه مثقال زده تخم مغز کینج خشک از هر یک پست عدد و انانیه نماید
 شترتیش تا دو در هم است همچون مؤلف مذکره ذکر نموده جلیل القدر و کثیر المنافع است و بغایت بکلی
 برودین و موطوبین جهت رفع رطوبات و کل امراض باره مثل فالج و نسیان و سکه و رسته و ضیق نفس و لکنت زبان و سرفه رطوبی
 ساد آواز و تحلیل ریح و سرد و تقویت معده و جگر و امراض مقعد و رحم مکرر خستناق آن و جهت احتباس جنین و بول و نیکو کردن رنگ رو
 لکینج باه مایوسین بغایت جرب و مفر جوانان و صاحبان مزاج حار و مصلح کینج و شترت قناب و طلا کردن روغن آن بر بدن
 رفع اذیت سرد و شقاق پاشنه پا و قلع آثار و برقیب جهت تهیه بغایت نافع و قوتش تا چهار سال باقیست و شترتیش تا دو مثقال
 ن گرم است در سیم و خشک است در اول کبر طبل سیر کوبیده را با کینج نیم مثقال نیم مثقال نیم مثقال نیم مثقال نیم مثقال
 دوام آورند زنجبیل فلفل قرنفل نارجیل کینج سافج هندی برک قرنفل نیم وزن آن قرنفل می توان کرد و اگر سافج سیاه نیم وزن در ق کسند بهتر است

کاسنی تخم خرفه از هر کدام ده مثقال کوفته در آب مطبوخ شسته که خسته اند با آب پسته و انار شیرین و انار شیرین و انار شیرین
 با دوام مغز فندق مغز گردکان مغز بلغم زده ال و مانند هر یک کوفته در عسل گل کنند از آن با آب پسته و انار شیرین و انار شیرین و انار شیرین
 عمل کرده و پست متقال چوب چینی را جو شاییده آب آن را با عسل بقوام آورده و او را بر سرشته و بغایت در افعال صحت
 مایه نموده است همچون مهبی که جهت توالدافع است اگر غلطی غالب باشد اول تنقیه نماید و بعد از آن پست یوم هر شب
 متقال مرد و نیم متقال زن شود نماید و از مابشرت درین ایام جهت ناب کند و از مفرات باه بر پسته نماید همین سرخ و سفید بفرغ
 کند کبار و از چینی از هر یک ده مثقال مرد و از پسته فلفل زنجبیل قرنفل نارجیل کینج سافج هندی برک قرنفل نیم وزن آن قرنفل
 می توان کرد و اگر سافج سیاه نیم وزن در ق کسند بهتر است و الا نصف سافج و نصف قرنفل بدل کنند جزوایم متقال زعفران
 متقال با سه وزن او در عسل سرشته بعد از چوب یوم استعمال نمایند همچون مهبی این جمع مؤلف را ساد گوید که در پست
 کل ریح غلیظه و مسکن مغز و قدر شترتیش تا چهار مثقال کل کل و زبان تخم تریتیک از هر یک یک و نیم مثقال و اگر نماند
 کند پسته یا پسته اعرافی یک و سیدس خصیمه الثعلب زنجبیل فلفل مغز فندق سنوبر کبار تخم ترب متقال تخم شلغ از هر یک یک و نیم مثقال
 سینی نخود سفید مغز بادام کینج پسته خشک شش سفید کند از هر یک چهار جزو با شترت سبب دو وزن او در پسته سرشته
 مؤلف مذکره عجیب الفعالت در بر این کینج باه و نفوس و تقویت و حرارت غریزی و فربه کردن بدن و تولد خون صالح و اصلاح می و در
 ت جماع و ضعف آن و نخود سفید پوست و اگر که آب تریتیک تازه سه بار بنیسانیده و خشک کرده باشند خشک خشک مسوق
 در مثل آن خشک تانها ترتیب داده باشند از هر یک سه و نیم ترنجبین ده مثقال و از چینی خولجان از هر یک شش مثقال
 سل را با نیم رطل آب بیاز بقوام آورند و تخم ترب و تخم جزری تخم انار از هر یک یک و نیم مثقال از هر یک نیم مثقال و پسته نیم مثقال
 شت قیرا یا زهر و نیم در هم زعفران و شش قیرا و شش راد کلاب کل کرده بدان تسکین کنند و هرگاه قوی تر خواهند مفر کرده
 ب سنوبر نارجیل تخم شلغ مغزین و همین سرخ و سفید تخم رطله تخم کتان از هر یک یک و نیم مثقال کینج شیرین ایسون قرنفل فلفل سفید
 ر نماند پسته اعرافی و یا ماهی رو بیان از هر یک سه مثقال زده تخم مغز کینج خشک از هر یک پست عدد و انانیه نماید
 شترتیش تا دو در هم است همچون مؤلف مذکره ذکر نموده جلیل القدر و کثیر المنافع است و بغایت بکلی
 برودین و موطوبین جهت رفع رطوبات و کل امراض باره مثل فالج و نسیان و سکه و رسته و ضیق نفس و لکنت زبان و سرفه رطوبی
 ساد آواز و تحلیل ریح و سرد و تقویت معده و جگر و امراض مقعد و رحم مکرر خستناق آن و جهت احتباس جنین و بول و نیکو کردن رنگ رو
 لکینج باه مایوسین بغایت جرب و مفر جوانان و صاحبان مزاج حار و مصلح کینج و شترت قناب و طلا کردن روغن آن بر بدن
 رفع اذیت سرد و شقاق پاشنه پا و قلع آثار و برقیب جهت تهیه بغایت نافع و قوتش تا چهار سال باقیست و شترتیش تا دو مثقال
 ن گرم است در سیم و خشک است در اول کبر طبل سیر کوبیده را با کینج نیم مثقال نیم مثقال نیم مثقال نیم مثقال نیم مثقال
 دوام آورند زنجبیل فلفل قرنفل نارجیل کینج سافج هندی برک قرنفل نیم وزن آن قرنفل می توان کرد و اگر سافج سیاه نیم وزن در ق کسند بهتر است

مادران

دو معال که از نم زود من ...
مغال که از نم زود من ...
مغال که از نم زود من ...
مغال که از نم زود من ...
مغال که از نم زود من ...



دو معال که از نم زود من ...
مغال که از نم زود من ...
مغال که از نم زود من ...
مغال که از نم زود من ...
مغال که از نم زود من ...

نفس را از شغل خاربه باز داشته ...
نفس را از شغل خاربه باز داشته ...
نفس را از شغل خاربه باز داشته ...

Handwritten notes at the top of page 72, including the number 72 and various illegible script.

Main body of handwritten text on page 72, containing medical prescriptions and descriptions in Persian script.

Handwritten notes at the bottom of page 72, including the number 72 and various illegible script.



Main body of handwritten text on page 73, containing medical prescriptions and descriptions in Persian script.

Handwritten notes at the bottom of page 73, including the number 38 and various illegible script.

در وقت غلبه سردی و در وقت غلبه گرمی و در وقت غلبه رطوبت و در وقت غلبه خشکی و در وقت غلبه باد و در وقت غلبه باران و در وقت غلبه...

خبر

در وقت غلبه سردی و در وقت غلبه گرمی و در وقت غلبه رطوبت و در وقت غلبه خشکی و در وقت غلبه باد و در وقت غلبه باران و در وقت غلبه...

در وقتی که در وقت است از وقت است و این سفوف را در وقت است اسکنند رتیب داده بودند اسفوف
... و در وقت است از وقت است و این سفوف را در وقت است اسکنند رتیب داده بودند اسفوف
... و در وقت است از وقت است و این سفوف را در وقت است اسکنند رتیب داده بودند اسفوف
... و در وقت است از وقت است و این سفوف را در وقت است اسکنند رتیب داده بودند اسفوف

پهلوی

مخمی

... و در وقت است از وقت است و این سفوف را در وقت است اسکنند رتیب داده بودند اسفوف
... و در وقت است از وقت است و این سفوف را در وقت است اسکنند رتیب داده بودند اسفوف
... و در وقت است از وقت است و این سفوف را در وقت است اسکنند رتیب داده بودند اسفوف
... و در وقت است از وقت است و این سفوف را در وقت است اسکنند رتیب داده بودند اسفوف

مخمی

مخمی

مخمی

مخمی

در این شکلی و حال معده و کبد و جگر و معده مفید است و اگر سرد تر خواهد بود که از یا کونند و اگر معتدل
 و در این معده که کثرت سکجین و دوشابی که سرکه باد و شتاب انور مساوی باشد معتدل است سکجین عسل که سرکه و عسل با
 گرم باشد و جهت امراض بلغمی که تفتیح سده و تقویت بکر و معده و تبهای مکره نافع است سکجین سفر حله جهت تقویت معده و جگر
 در معده نشیان و قوی و اسهال صفراوی و قطع عرق نافع است آب به شیرین در شش بالتسویه و در جگر و معده و قد از هر یک یک جزو بقوام آورند
 شیرین در شش ترتیب دهند بقول آن کمتر خواهد بود و سکجین اصولی جهت حیات و سد با و عطش و جملای معده از بلغم غلیظ
 آب شیرین بکدی که مدت سرکه را بشکند پوست چغ کرفس پوست بجز را زیانه هر کدام و قیده کرفس و را زیانه و انیسون مکده و قیده
 مذکور و کیشانه روز فیاضینده و با شش همواری بخت تا سدس او کم شود پس از آنش گرفته و صاف نموده بریزند بهر جزئی از این مطبوخ
 از شکر و بریزند تا بقوام آید و اگر خواهد که زعفران داخل کنند سه درم زعفران را در فرقه بسته در وقت جو شیدن آن بمیان آن
 دوران صاف کنند سکجین اقیقونی که با ماء الجبن استعمال نمایند فستیمون بسفنج خردی سیاه از خرق را نیکوب کرده
 روز در روز و مثقال سرکه بنجیسانند و نود و مثقال آب اضافه نمایند و با شش نرم بخوشانند و بسفنج را کوفته در کسبه کرده در آن بسیند از
 آب بسوزد کسبه فستیمون را انداخته یک جوش داده و بعد از آن صاف نمایند و ادویت و پنجاه مثقال قند بقوام آورند و هر روز
 مثقال استعمال نمایند و در مزاجی که بسیار حار بوده باشد باین نسخه ترتیب دهند فستیمون بسفنج خردی کاسنی مکده هفت لخم کرفس و در
 و آب نود لخم کاسنی آل بجز را زیانه مال دویه را با سرکه نودل جو شایند فستیمون را در لخته بسته در آغوشد و جوش داده بعد از سوختن آب
 و بادویت و پنجاه مثقال قند بقوام آورند سکجین بزوری معتدل جهت تبهای مکره و ضعف جگر و صفراوی عرق و استسقای
 تخم را زیانه تخم کسبوت انیسون کل سرخ تخم کاسنی تخم خیار تخم خرنوب تخم کرفس بجز را زیانه بجز اصل السوس بجز کاسنی صباب در سرکه
 فیاضینده جو شایند تا بنصف رسد و با شکر بقوام آورند سکجین انجلی که از تالیف خیر است و در دفع تب و جرب و جبهه امراض
 بعدیل است انجلیان را نیکوب کرده شب در سرکه آب فیاضینده روز دیگر جو شایند تا بنصف رسد و بعد از آن صاف نموده
 مثقال دوشاب انکوری بقوام آورند و هر روز ده مثقال را با آب شسته با شیره تخم کرفس و اگر حرارت غالب باشد با کاسنی مثال
 استعمال نمایند شربت و سرخ مکرر سهل جهت اتراقات و جرب و مکده امراض مکره و سده و سودای رقیق و ضعف کرده و صفراوی
 نافع و دورت تشکی و مصلحت تخم کاهو و طباشیر معتدلی انیسون از هر یک یک مثقال از آب بهر یک یک مثقال شربت لادویه مذکور را بوزن
 کوفته در میان شربت بنیزانند تا بچوشد و طریق آنست که بجز رطل آب را بجز شش آورده چهار رطل برک کل تازه را بچهار دفعه بریزند
 هر دفعه یک رطل آب بسوزد پس از صاف کرده بدستور حصه دیگر را بریزند تا آنکه از آب برب جانند و اگر قوی تر خواهند کل را بچهار
 میتوان کرد و شش رئیس زیاد برینج را منع نموده پس با هموزن آب صاف آن شکر بقوام آورند قدر شربتیش زده مثقال
 بلنج و اگر با ضعف وزن آن سکجین بنوشند جهت تصفیه صفراوی است شربت و سرخ قالیچ جهت امراض جگر نافع است
 کل شرح آفاق و در را بیک دفعه دره رطل آب بچوشانند تا برب رسد و صاف نموده با هم وزن آن شکر بقوام آورند و اگر قوی تر خواهد
 بازده که

تخم

و آب نود لخم

کاسنی آل بجز

را زیانه مال

دویه را با سرکه

نودل جو شایند

فستیمون را در

لخته بسته در

آغوشد و جوش

داده بعد از

سوختن آب

مثقال

استعمال

نمایند شربت

و سرخ مکرر

سهل جهت

اتراقات و

جرب و مکده

کلیت رطل آن هر یک از مصلکی و تخم مورد و صندل سفید و اردکنار و کشته خشک و طباشیرک مثقال در هر یک سه درم
 و سایر رقیق با طبیب است اگر اجزای حار و قابضه با یا صاف کند و اگر بارده لازم باشد از آن نیز داخل کنند جلا با
 در حرارت معده و جگر و صندل و آبله و تب و ق و تبهای حار که با سرکه باشد جهت تقویت آلات تنفس نافع و طبع و صفراوی
 جهت اولام حشا مفید است شکر سفید یک جزو آب باران سه جزو عرق بهر شک و دو جزو کلاب و دو جزو بقوام آورند و اگر سرد تر خواهد
 در عرق نیلوفر از هر یک دو جزو اضافت کنند بشر است نوع دیگر منقول از کلاب و قانون شکر یک جزو آب باران و دو جزو کلاب سه جزو
 و زرد شربت به و لیمو جهت تقویت با نمده و تسکین تشنگی و معده و جگر حار نافع است آب به شیرین و دو جزو ابلیم و یک جزو شکر
 بقوام آورند شربت لیمو جهت غلبه صفرا و ضعف معده و قی صفراوی و تشنگی نافع است ده رطل آب لیمو را بخوشانند تا بنصف رسد
 شکر بقوام آورند شربت منقول از کلاب جهت تبهای حار و سرد و تسکین غلبه خون نافع است و ملین طبیعت رطل
 نازه را بدستور شربت و سرخ در دو چهار رطل آب بریزند و جو شایند تا برب رسد و با سرکه رطل شکر بقوام آورند و اگر شکر دور رطل
 قوی تر خواهد بود و اگر بنفشه خشک باشد یک رطل آن را جو شایند با دو رطل شکر بقوام آورند شربت نیلوفر مطبوخ نافع است
 حاره و آلات تنفس و سرد و تقویت دل و اشتهای نافع و با وجود شیرینی متعین صفراوی شود بخلاف سایر شربت شیرین طریقی است
 حلق شربت بنفشه و بعضی عرق نیلوفر را چهار جزو با یک جزو شکر بقوام می آورند شربت سفر حله منقول از کلاب الصناعت
 ضعف معده و جگر و اسهال و غشیان و قی و تشنگی و جرب ترش از دانه پوست پاک کرده آتش را بنفشه در دو رطل از آن کوفته و از شکر
 یک رطل نقل بر لایک شبانه روز در آن بنجیسانند و بعد از آن افشوده صاف نمایند و آب به جو شایند تا بنصف رسد و با نیم
 سلف کوفته بقوام آورند بنجیل معتدل از هر یک دو جزو قاقله کبار و صفرا و دار چینی و زعفران غیر مسوق از هر یک چهار مثقال نقل
 پارچه بسته در جو شایند و اگر دو دانه مشک نیز داخل کنند میتوان بود جهت برودت معده و تب ریح و در اشتهای نافع و مناسب
 است غسل کوفته سه من شراب کهنه ریحانی یا هموزنی ده من بنجیل ۵ تم قاقله صفرا و کبار نیم تم نقل یکدانه و اگر چینی نیم تم
 نام دار طفل یکدانه و نیم غیر از زعفران باقی را نیکوب ساخته بنیزانند در شراب و عسل در سایه سه روز بگذرانند و هر روز سه بار
 و صاف کنند با یکدانه و نیم مشک مطیب از شربت ذمیقراطیس جهت ضعف جگر و معده و سپرز و فساد مزاج بارد
 کوفته اند که ملاوت آن حفظ میکنند جمیع ایام حیوة را از مرض اصل السوس آسماخونی نیم تم تخم را زیانه فلفل مکده ام سیلخه عام خوب
 یده با شش و دشت و شفت و شفت شربت خوب کهنه مزوج سازند و ظرف کدشته سرف را بکج گرفته چهل روز بگذرانند و بعد
 و پیش از غذا میل نمایند شربت حومل جهت مرعوبت و رفع درد مغز من و ضیق النفس و سرد رطوبتی امراض بارده مانند استسقا
 و نسیان بعدیل است یک رطل سپندر که کوبیده در سی رطل آب انکوب جو شایند تا برب رسد و هر روز یا نوزده مثقال تاسی روز شش
 عاده حمل زانی که در وقت حاملگی شده باشند و بعد از آن نشوند سه روز از این شربت بنوشند تخلف در حمل نمکنند شربت سفنج
 یک استهما بر تبه مؤثر است که صبر نتواند نمود و منق معده از اخلاط سوخته و رافع بلغم مهبی است و چون بر اثر هموزن با پیوسته

بنفشه

شربت الحنظل

بازده که

و در وقت جوشانیده با فلفل خشک یا با شیرینجه جوشانیده تمام شود که در وقت جوشانیدن در آن جوشاننده با
 دینا سر مغول متاخرین جهت امراض بکری و سده ما ساریقا و تمامی مکتوب نافع و تریب و فاعله است که با سنی بچ کاسنی که
 کشوت یک روز نیسانیده پس بوشانند و با درون شکر بقوام آورند نوع دیگر که بخت برت و بخت بخت با بخت با بخت
 سنی در شکر سیدانه صندل سفید لک مغول اصل سوس کشوت کل سنج کوبیده در عوک کاسنی یا آب آن بخت بخت بخت
 ایند و با شکر بقوام آورند و اگر رویه اضافت کنند قوی تر میگردند شربت غوره جهت حرارت معده و ضعف آن در وقت جوشانیده
 با یکی گرم و دفع کرم و تشنگی و تقویت اشتها از زمان آب تن مفید است آب غوره را در درون بوشانند تا نصف رسد و یک شب بگذارند
 ری دیگر با درون شکر قنقل بوشانند تا بوی آن را بردارند و با شکر رطلا بقوام آورند شراب سلمویه از تالیف قدما است بقوی
 و رافع حرقان است و نافع آن در امراض بارده نهایتی ندارد و پوست سنج رطلا بر مامور کوبیده قنقل دول بود آن نیکو ب کرده در
 شراب سه شبانه روز بخیسانند و با شکر سفید دو دو صطلک و نیم زعفران و دو دو انگ شکر بوشانند تا مایل بقوام شود
 و در استعمال کنند شراب صیبه جهت تقویت معده و اسهال مزمن و در دیگر وقتی و غشایان و فواق و تشنگی نافع است بوشانند
 مع امین الدوله آب به ترش آب سبب ترش بکیرطن بوشانند تا نصف رسد و با کیرطن لعل و کیرطن شراب کهنه بوشانند تا غلیظ
 و کف بگیرند و عود و زعفران و صطلک و سبب و سبب الطیب قنقل جوز لوله اسپاق قله کبار در چینی بخشید است که ساینده است
 ماء الحسل جهت امراض بارده عصبانی و دماغی نافع و منفع بلغم غلیظ و ملج سد الکک بجز و غسل مسافرا با شکر گرداب بکش نرم بوشانند
 ام سکنجین رسد و با زاید بر کیرطن لعل دول فلفل را کوبیده در پارچه بسته در آن بوشانند شراب الحسل جهت معده و بکری سرد و امراض
 نافع است در رطلا عمل را با شکر رطلا آب و کسبل الطیب و صطلک و دار صینی و قاقیله عود و میله جوز بود و در فلفل قنقل هر یک دول
 بوشانند تا بقوام آید پس مافموده استعمال نمایند بوب را شرط است که آب آبخیزی که مقصود باشد جان بوشانند که برنج و شکر
 و در و کلو بسیار نافع است آب پوست گردکان تازه را بوشانند تا شکرمانند باشد و با شکر آن بوشانند بوشانند بوشانند
 و کوبیده مرصاف و نیم و نیم زعفران و نیم و نیم شربانی اضافت نمایند و اگر سوده آن را ترتیب دهند شکر فقط کافیت است بوشانند
 یف قوام است جهت نزلات حاره بغایت نافع است و دست عد خشک را با شکر کوبیده که شبانه روز در صندل آب نیسانیده
 از آن بوشانند تا نصف رسد پس مافموده با صندل و میله و شکر یا عسل یا شکر بقوام آورند که بطریق لوقی کرده و اقا قیاز عرق غصص
 در حقیقه القیس از هر یک در هم کوفته و بخت مخلوط کنند با شکر و در هر بیات که انجیات نامند و صفت بعضی از ملامت های شفاقل
 و سمن بدن و تقوی اعصاب و اگر است شفاقل تازه که پوست آنرا خراشیده باشد در آب ابک صاف کرده که بقدری شده باشد
 از آن کز و یک شبانه روز بخیسانند و با آب بوشانند یا بشوند تا اثر آب ابک نماید و بعد از آن در آب تازه ملج دهند تا نرم و بخت شود
 بقوام آورده شفاقل را با عسل چند جوشی دهند که جذب عسل کند و عسل مقدار باید که شفاقل را بپوشاند و باین دستور است بهیاتی

و در وقت جوشانیده با فلفل خشک یا با شیرینجه جوشانیده تمام شود که در وقت جوشانیدن در آن جوشاننده با
 دینا سر مغول متاخرین جهت امراض بکری و سده ما ساریقا و تمامی مکتوب نافع و تریب و فاعله است که با سنی بچ کاسنی که
 کشوت یک روز نیسانیده پس بوشانند و با درون شکر بقوام آورند نوع دیگر که بخت برت و بخت بخت با بخت با بخت
 سنی در شکر سیدانه صندل سفید لک مغول اصل سوس کشوت کل سنج کوبیده در عوک کاسنی یا آب آن بخت بخت بخت
 ایند و با شکر بقوام آورند و اگر رویه اضافت کنند قوی تر میگردند شربت غوره جهت حرارت معده و ضعف آن در وقت جوشانیده
 با یکی گرم و دفع کرم و تشنگی و تقویت اشتها از زمان آب تن مفید است آب غوره را در درون بوشانند تا نصف رسد و یک شب بگذارند
 ری دیگر با درون شکر قنقل بوشانند تا بوی آن را بردارند و با شکر رطلا بقوام آورند شراب سلمویه از تالیف قدما است بقوی
 و رافع حرقان است و نافع آن در امراض بارده نهایتی ندارد و پوست سنج رطلا بر مامور کوبیده قنقل دول بود آن نیکو ب کرده در
 شراب سه شبانه روز بخیسانند و با شکر سفید دو دو صطلک و نیم زعفران و دو دو انگ شکر بوشانند تا مایل بقوام شود
 و در استعمال کنند شراب صیبه جهت تقویت معده و اسهال مزمن و در دیگر وقتی و غشایان و فواق و تشنگی نافع است بوشانند
 مع امین الدوله آب به ترش آب سبب ترش بکیرطن بوشانند تا نصف رسد و با کیرطن لعل و کیرطن شراب کهنه بوشانند تا غلیظ
 و کف بگیرند و عود و زعفران و صطلک و سبب و سبب الطیب قنقل جوز لوله اسپاق قله کبار در چینی بخشید است که ساینده است
 ماء الحسل جهت امراض بارده عصبانی و دماغی نافع و منفع بلغم غلیظ و ملج سد الکک بجز و غسل مسافرا با شکر گرداب بکش نرم بوشانند
 ام سکنجین رسد و با زاید بر کیرطن لعل دول فلفل را کوبیده در پارچه بسته در آن بوشانند شراب الحسل جهت معده و بکری سرد و امراض
 نافع است در رطلا عمل را با شکر رطلا آب و کسبل الطیب و صطلک و دار صینی و قاقیله عود و میله جوز بود و در فلفل قنقل هر یک دول
 بوشانند تا بقوام آید پس مافموده استعمال نمایند بوب را شرط است که آب آبخیزی که مقصود باشد جان بوشانند که برنج و شکر
 و در و کلو بسیار نافع است آب پوست گردکان تازه را بوشانند تا شکرمانند باشد و با شکر آن بوشانند بوشانند بوشانند
 و کوبیده مرصاف و نیم و نیم زعفران و نیم و نیم شربانی اضافت نمایند و اگر سوده آن را ترتیب دهند شکر فقط کافیت است بوشانند
 یف قوام است جهت نزلات حاره بغایت نافع است و دست عد خشک را با شکر کوبیده که شبانه روز در صندل آب نیسانیده
 از آن بوشانند تا نصف رسد پس مافموده با صندل و میله و شکر یا عسل یا شکر بقوام آورند که بطریق لوقی کرده و اقا قیاز عرق غصص
 در حقیقه القیس از هر یک در هم کوفته و بخت مخلوط کنند با شکر و در هر بیات که انجیات نامند و صفت بعضی از ملامت های شفاقل
 و سمن بدن و تقوی اعصاب و اگر است شفاقل تازه که پوست آنرا خراشیده باشد در آب ابک صاف کرده که بقدری شده باشد
 از آن کز و یک شبانه روز بخیسانند و با آب بوشانند یا بشوند تا اثر آب ابک نماید و بعد از آن در آب تازه ملج دهند تا نرم و بخت شود
 بقوام آورده شفاقل را با عسل چند جوشی دهند که جذب عسل کند و عسل مقدار باید که شفاقل را بپوشاند و باین دستور است بهیاتی

هر یک دو

و در وقت جوشانیده با فلفل خشک یا با شیرینجه جوشانیده تمام شود که در وقت جوشانیدن در آن جوشاننده با
 دینا سر مغول متاخرین جهت امراض بکری و سده ما ساریقا و تمامی مکتوب نافع و تریب و فاعله است که با سنی بچ کاسنی که
 کشوت یک روز نیسانیده پس بوشانند و با درون شکر بقوام آورند نوع دیگر که بخت برت و بخت بخت با بخت با بخت
 سنی در شکر سیدانه صندل سفید لک مغول اصل سوس کشوت کل سنج کوبیده در عوک کاسنی یا آب آن بخت بخت بخت
 ایند و با شکر بقوام آورند و اگر رویه اضافت کنند قوی تر میگردند شربت غوره جهت حرارت معده و ضعف آن در وقت جوشانیده
 با یکی گرم و دفع کرم و تشنگی و تقویت اشتها از زمان آب تن مفید است آب غوره را در درون بوشانند تا نصف رسد و یک شب بگذارند
 ری دیگر با درون شکر قنقل بوشانند تا بوی آن را بردارند و با شکر رطلا بقوام آورند شراب سلمویه از تالیف قدما است بقوی
 و رافع حرقان است و نافع آن در امراض بارده نهایتی ندارد و پوست سنج رطلا بر مامور کوبیده قنقل دول بود آن نیکو ب کرده در
 شراب سه شبانه روز بخیسانند و با شکر سفید دو دو صطلک و نیم زعفران و دو دو انگ شکر بوشانند تا مایل بقوام شود
 و در استعمال کنند شراب صیبه جهت تقویت معده و اسهال مزمن و در دیگر وقتی و غشایان و فواق و تشنگی نافع است بوشانند
 مع امین الدوله آب به ترش آب سبب ترش بکیرطن بوشانند تا نصف رسد و با کیرطن لعل و کیرطن شراب کهنه بوشانند تا غلیظ
 و کف بگیرند و عود و زعفران و صطلک و سبب و سبب الطیب قنقل جوز لوله اسپاق قله کبار در چینی بخشید است که ساینده است
 ماء الحسل جهت امراض بارده عصبانی و دماغی نافع و منفع بلغم غلیظ و ملج سد الکک بجز و غسل مسافرا با شکر گرداب بکش نرم بوشانند
 ام سکنجین رسد و با زاید بر کیرطن لعل دول فلفل را کوبیده در پارچه بسته در آن بوشانند شراب الحسل جهت معده و بکری سرد و امراض
 نافع است در رطلا عمل را با شکر رطلا آب و کسبل الطیب و صطلک و دار صینی و قاقیله عود و میله جوز بود و در فلفل قنقل هر یک دول
 بوشانند تا بقوام آید پس مافموده استعمال نمایند بوب را شرط است که آب آبخیزی که مقصود باشد جان بوشانند که برنج و شکر
 و در و کلو بسیار نافع است آب پوست گردکان تازه را بوشانند تا شکرمانند باشد و با شکر آن بوشانند بوشانند بوشانند
 و کوبیده مرصاف و نیم و نیم زعفران و نیم و نیم شربانی اضافت نمایند و اگر سوده آن را ترتیب دهند شکر فقط کافیت است بوشانند
 یف قوام است جهت نزلات حاره بغایت نافع است و دست عد خشک را با شکر کوبیده که شبانه روز در صندل آب نیسانیده
 از آن بوشانند تا نصف رسد پس مافموده با صندل و میله و شکر یا عسل یا شکر بقوام آورند که بطریق لوقی کرده و اقا قیاز عرق غصص
 در حقیقه القیس از هر یک در هم کوفته و بخت مخلوط کنند با شکر و در هر بیات که انجیات نامند و صفت بعضی از ملامت های شفاقل
 و سمن بدن و تقوی اعصاب و اگر است شفاقل تازه که پوست آنرا خراشیده باشد در آب ابک صاف کرده که بقدری شده باشد
 از آن کز و یک شبانه روز بخیسانند و با آب بوشانند یا بشوند تا اثر آب ابک نماید و بعد از آن در آب تازه ملج دهند تا نرم و بخت شود
 بقوام آورده شفاقل را با عسل چند جوشی دهند که جذب عسل کند و عسل مقدار باید که شفاقل را بپوشاند و باین دستور است بهیاتی

هر یک دو

در وقت سرما و سردی و در وقت گرمی و در وقت شعله و در وقت خفا و در وقت...

و از...

در وقت شعله و در وقت خفا و در وقت سرما و در وقت گرمی و در وقت...

و از...

فجاج و مصلی سنبلی الطیب و قوه الفصح کتک پاک کرده بود بلبان...
تین کل سرخ انجیر زرد مویز میدان در چهار رطل آب بپوشانند تا بپزد...
رشدن ماء الاصول نوع دیگر جبت نفوس و در و رک و فاضل که از برودت باشد بغایت جرب است پوست کرم...
در فلفل قنطاریون و قیق شیخ ناخواه انیسون بوزیدان ماهیز هر چه در سر رطل آب بپوشانند تا بپزد...
بیدار بوی کبوض و مانند بوشند و اگر امراض بسیار مصعب باشد بار و عن کلکلاج استعمال نمایند ماء البز و من که در معده دارد و رطوبت...
کنت سماق پاک کرده برنج سفید کمر شست از هر یک پنجاه ل با سه شل آن آب بپوشانند تا بپزد رسد پس صاف نموده و در وقت بپوشانند...
سند ماء الاصول جرب بوی رحمة الله تعالی جهت منیق النفس و در بود کفکی آواز پوست کرم کف و کفکی آواز پوست کرم کف و کفکی آواز پوست کرم کف...
سنبلی الطیب اسارون ساخن قنطاریون و قیق و غلطه اسپون اصل انیسون پنج سوسن کبود انجیر زرد مویز میدان در چهار رطل آب بپوشانند...
رسد پس سه حصه کرده هر روز یک حصه را با العوات مناسب بپوشند معیبات شرط است که مکرر قی کند که عادت شود و در غلای...
نیست و در ماهی دو بار تخم است اگر مطلب دفع صفر باشد قبل از خوردن معی بکساعت شور بای ترش نشا و نمایند و اگر مراد دفع نفخ...
در ماهی شور برشته قدری نشا و نمایند و بعد از قی چیزی که تقویت معده کند بیاشامند و اگر مراد قی مره السواد باشد شیرینی نشا و نمایند...
سی را که درون بلند سینه شکست باشد از قی با مدیغ خود و معی مره السواد و مره القهوه را که در تهای ریح و در کتب نافع است کنگر زرد و کنگر...
ب جوز التي تخم شبت طم هندی تخم اسفنج بالتوی کوبیده بوزن آن غسل بپوشند و اول آنرا تا مسل در آبی که شبت جوشانیده بپوشند...
دوده بپوشند و اگر بقدر مقصود قی نیار در آب شبت مطبوخ را با عمل بیاشامند درین وقت قی با فراط خواهد شد معی دیگر جبت دفع...
القفر و بغم صفر آنچه پیت آ ترب را ریزه کرده با ده شبت تازه و پنج کنگ هندی و از تخم خرنوبه و تخم اسفنج از هر یک چهار درم...
شاند در چهار رطل آب تا بپزد رسد پس صاف نموده با سکنجبین بپوشند و قی کنند و اگر مراد دفع بغم بیشتر باشد با عمل بپوشند معی دیگر...
در در رطوبات معده و مره القهوه و مره السواد تر بر بسیار ریزه کرده یکشنبه روز در سکنجبین غسل نموده صاف نمایند و با کنگر زرد باقی...
شد معی دیگر تخم ترب تخم شبت تخم خرنوبه ریش خرنوبه اصل السوس از هر یک مسل جوشانیده آب آنرا با کنگر زرد و یا سکنجبین بپوشند...
کلمات قی اما آنچه در سکنجبین قی مفراوی آورده است این است زرشک میدان انار دان ترش سماق دانه بیرون کرده پوست...
ان پوسته از هر یک یک کبوض و طبا شیره کل سرخ خنجره خشک از هر یک نصف جز و نرم کوبیده تا سه ل آن آب به باب انار شیره یا شربت...
مال آن بپوشند نسخه دیگر که جرب حقیق است انار دان ترش مویز دانه دار بالتوی زیره کمانی ده یک آن بسیار نرم کوبیده تا...
شد اما مسکن قی یعنی و سوداوی کل سرخ چهار ل زرشک میدان سه ل انجمن پوست بیرون پسته مصلک خود هندی سنبلی الطیب...
ترافل زرشک زیره کمانی که بر کرده از هر یک ده درم اول این دوا را با سکنجبین مطبوخ و امثال آن بپوشند باب...
سنوبات و خرنوبه و مضمضه سنوبات اوویه مضمضه بامراض دندان است اعم از آنکه سامنده بپوشند یا چیزی بپوشند یا کتک...
در و کلف تذکره کویده سنون از مختصرات جربیس و الدخشب شست و ظاهر این کلام اصله نه شسته باشد و از قدما بودن نظارت

ادخر

فجاج و مصلی سنبلی الطیب و قوه الفصح کتک پاک کرده بود بلبان...
تین کل سرخ انجیر زرد مویز میدان در چهار رطل آب بپوشانند تا بپزد...
رشدن ماء الاصول نوع دیگر جبت نفوس و در و رک و فاضل که از برودت باشد بغایت جرب است پوست کرم...
در فلفل قنطاریون و قیق شیخ ناخواه انیسون بوزیدان ماهیز هر چه در سر رطل آب بپوشانند تا بپزد...
بیدار بوی کبوض و مانند بوشند و اگر امراض بسیار مصعب باشد بار و عن کلکلاج استعمال نمایند ماء البز و من که در معده دارد و رطوبت...
کنت سماق پاک کرده برنج سفید کمر شست از هر یک پنجاه ل با سه شل آن آب بپوشانند تا بپزد رسد پس صاف نموده و در وقت بپوشانند...
سند ماء الاصول جرب بوی رحمة الله تعالی جهت منیق النفس و در بود کفکی آواز پوست کرم کف و کفکی آواز پوست کرم کف...
سنبلی الطیب اسارون ساخن قنطاریون و قیق و غلطه اسپون اصل انیسون پنج سوسن کبود انجیر زرد مویز میدان در چهار رطل آب بپوشانند...
رسد پس سه حصه کرده هر روز یک حصه را با العوات مناسب بپوشند معیبات شرط است که مکرر قی کند که عادت شود و در غلای...
نیست و در ماهی دو بار تخم است اگر مطلب دفع صفر باشد قبل از خوردن معی بکساعت شور بای ترش نشا و نمایند و اگر مراد دفع نفخ...
در ماهی شور برشته قدری نشا و نمایند و بعد از قی چیزی که تقویت معده کند بیاشامند و اگر مراد قی مره السواد باشد شیرینی نشا و نمایند...
سی را که درون بلند سینه شکست باشد از قی با مدیغ خود و معی مره السواد و مره القهوه را که در تهای ریح و در کتب نافع است کنگر زرد و کنگر...
ب جوز التي تخم شبت طم هندی تخم اسفنج بالتوی کوبیده بوزن آن غسل بپوشند و اول آنرا تا مسل در آبی که شبت جوشانیده بپوشند...
دوده بپوشند و اگر بقدر مقصود قی نیار در آب شبت مطبوخ را با عمل بیاشامند درین وقت قی با فراط خواهد شد معی دیگر جبت دفع...
القفر و بغم صفر آنچه پیت آ ترب را ریزه کرده با ده شبت تازه و پنج کنگ هندی و از تخم خرنوبه و تخم اسفنج از هر یک چهار درم...
شاند در چهار رطل آب تا بپزد رسد پس صاف نموده با سکنجبین بپوشند و قی کنند و اگر مراد دفع بغم بیشتر باشد با عمل بپوشند معی دیگر...
در در رطوبات معده و مره القهوه و مره السواد تر بر بسیار ریزه کرده یکشنبه روز در سکنجبین غسل نموده صاف نمایند و با کنگر زرد باقی...
شد معی دیگر تخم ترب تخم شبت تخم خرنوبه ریش خرنوبه اصل السوس از هر یک مسل جوشانیده آب آنرا با کنگر زرد و یا سکنجبین بپوشند...
کلمات قی اما آنچه در سکنجبین قی مفراوی آورده است این است زرشک میدان انار دان ترش سماق دانه بیرون کرده پوست...
ان پوسته از هر یک یک کبوض و طبا شیره کل سرخ خنجره خشک از هر یک نصف جز و نرم کوبیده تا سه ل آن آب به باب انار شیره یا شربت...
مال آن بپوشند نسخه دیگر که جرب حقیق است انار دان ترش مویز دانه دار بالتوی زیره کمانی ده یک آن بسیار نرم کوبیده تا...
شد اما مسکن قی یعنی و سوداوی کل سرخ چهار ل زرشک میدان سه ل انجمن پوست بیرون پسته مصلک خود هندی سنبلی الطیب...
ترافل زرشک زیره کمانی که بر کرده از هر یک ده درم اول این دوا را با سکنجبین مطبوخ و امثال آن بپوشند باب...
سنوبات و خرنوبه و مضمضه سنوبات اوویه مضمضه بامراض دندان است اعم از آنکه سامنده بپوشند یا چیزی بپوشند یا کتک...
در و کلف تذکره کویده سنون از مختصرات جربیس و الدخشب شست و ظاهر این کلام اصله نه شسته باشد و از قدما بودن نظارت

ان نفوذ کرده باشد بخار را در مسل مل نموده بر دندان بمالند و اگر در وقت صبح یا عصر یا در وقت خواب با دست پاک و با انگشتان
 سیاهی دندان قریب دانسته اند نیل در هم فلفل چهار درم جاما سه درم ساج هندی صندل یک درم کبرک یک درم سوسن یک درم
 ت دندان حرکت که بسبب رفتن گوشت لثه باشد بغایت نافع بود سوخته شب یا شبانه کلنا را سماق اما قیما بالتوی به سماق و کبرک
 ان از زیادتی رطوبت باشد منصفه آب دو بیه که در محفظه مذکور میشود منصفه کرده بعد از ان این آویزه بر دندان حرکت یکسانند شب یا بعد
 کلنا که کشته شود و طرفه خاکستر شاخ کاکوهی از هر یک جزوی مکمل معجون غسل که بعد از ان سوخته باشند مرصاف زعفران از هر یک جزوی و نصف
 سی سنبلیطی سداب خشک سماق از هر یک نصف جزو نرم سائیده بهم برشته استمانا نیند تریاق الاسنان از تالیف قدما و
 بت در سنگین درد دندان بخوبی سیل فلفل حلیث چند بیدستر انیون بالتویه با غسل برشته بر دندان درونک قدری بگذارد و در وقت شفا
 آویزه را اضافه نموده است مرصاف زرد و زرد مرغ میوه شیخ از هر یک نصف جزا سماق و کبرک در سنگین درد دندان به هر یک رسیده مالیدن فلفل
 سل است هرگاه از رطوبت و نزلات دهانی باشد و بدستور هرگاه فلفل پوست خشک را در کلاب بپوشانند و از پیرون طلا کنند در حال سنا
 و بدستور شیخ هندرا گوپده در کف دست کرده بخلاف جهت موضع در گذارشته کتبه یا آن جهت کنند سیب اما نه ماده بالیست سنگین
 سنون منقول از تذکره که در زمان بارون اثر شدید تالیف یافته جهت استحکام لثه و دندان و خوشبو کردن دهان و قطع رائحه کبرک
 ام و دفع سیلان آب دهان مفید است مکمل سوخته ده جزو زمان جو سوخته هفت جزو و هندی شش جزو سگ ۳ جزو کزنجرف فلفل در فلفل
 سیل زرد بجز قاقله از هر یک دو جزو با سرکه قرص ساخته خشک کنند بخشخ شیخ از منی و زرد و مدراج از هر یک نصف جزو اضافه کرده و در جبریل و لاد
 قرصا و از فخر از هر یک دو جزو الحاق نموده و با غسل برشته و بعضی این آویزه را اضافه کرده اند صندل سفید سه درم ساج هندی فلفل خاکستر گاه
 خ کاکوهی از هر یک سه جزو بوردی و جزو و تقیر نموده اند که بهترین چیزها از برای ریشق آویزه دندان که در ان زیره کرمانی جنسیانده
 شد و همچنین منصفه و نیز جهت این بهترین است سنون جهت امراض حاره منقول از کامل و شامل و حاوی کبر و مذکره جهت رویه
 بت لثه و تقویت آن و حرکت دندان تجربه رسیده است طباشیر کل سنج از هر یک سه درم و از برای لثه برشته دم الاونین هر یک دو درم مرجان
 نیمه صندل سنج مرصاف حب کاکج کزنجرف مالیران هر یک هم چو ملک سه درم مفرد بهترین آویزه است سنون جهت امراض بارده عاقرقاج
 سل شیخ خردل نجیبیل بوره بالتویه با قطران یا بلنج زره برشته سنون جهت دندان نایب مناسب کلترین است و تقویت آن
 منقول از کافی عاقرقاج پوست خنظل پوست چوب توت شیرم ما و دیون پوست بچ کبر حلیث زرنج زرد بالتویه مجموع را سائیده سه روز
 که جنسیانند و حلیث را با نصف وزن او نقل ازرق اول در سرکه حل نموده آویزه را برشته در وقت استعمال استیفا نمایند که بعد از ان
 زرد بلکه دندان مجاور در دندانگر انجیر و دوم غلاف کنند سنون جهت دندان حرکت مجرب حکمای هند است و در سوخته سرخ با
 یون کنند سنون جهت قلع سودا و میوه پیدانه انیسون بالتویه با غسل سنون کشند فوع دیکر بک عومج بک زیتون
 قیا از هر یک یک جزو قلع ساقه شرب زنج سفید از هر یک شش جزو و سوسن شش جزو زعفران ربع جزو سنون جهت قسام قلع
 سمنض بالتویه سائیده سنون کشند بغایت مفید است صفت آویزه که در دندان را ساقط کند نیم یا زرد کرکات زرد انیسون

دندان نفوذ

ان نفوذ کرده باشد بخار را در مسل مل نموده بر دندان بمالند و اگر در وقت صبح یا عصر یا در وقت خواب با دست پاک و با انگشتان
 سیاهی دندان قریب دانسته اند نیل در هم فلفل چهار درم جاما سه درم ساج هندی صندل یک درم کبرک یک درم سوسن یک درم
 ت دندان حرکت که بسبب رفتن گوشت لثه باشد بغایت نافع بود سوخته شب یا شبانه کلنا را سماق اما قیما بالتوی به سماق و کبرک
 ان از زیادتی رطوبت باشد منصفه آب دو بیه که در محفظه مذکور میشود منصفه کرده بعد از ان این آویزه بر دندان حرکت یکسانند شب یا بعد
 کلنا که کشته شود و طرفه خاکستر شاخ کاکوهی از هر یک جزوی مکمل معجون غسل که بعد از ان سوخته باشند مرصاف زعفران از هر یک جزوی و نصف
 سی سنبلیطی سداب خشک سماق از هر یک نصف جزو نرم سائیده بهم برشته استمانا نیند تریاق الاسنان از تالیف قدما و
 بت در سنگین درد دندان بخوبی سیل فلفل حلیث چند بیدستر انیون بالتویه با غسل برشته بر دندان درونک قدری بگذارد و در وقت شفا
 آویزه را اضافه نموده است مرصاف زرد و زرد مرغ میوه شیخ از هر یک نصف جزا سماق و کبرک در سنگین درد دندان به هر یک رسیده مالیدن فلفل
 سل است هرگاه از رطوبت و نزلات دهانی باشد و بدستور هرگاه فلفل پوست خشک را در کلاب بپوشانند و از پیرون طلا کنند در حال سنا
 و بدستور شیخ هندرا گوپده در کف دست کرده بخلاف جهت موضع در گذارشته کتبه یا آن جهت کنند سیب اما نه ماده بالیست سنگین
 سنون منقول از تذکره که در زمان بارون اثر شدید تالیف یافته جهت استحکام لثه و دندان و خوشبو کردن دهان و قطع رائحه کبرک
 ام و دفع سیلان آب دهان مفید است مکمل سوخته ده جزو زمان جو سوخته هفت جزو و هندی شش جزو سگ ۳ جزو کزنجرف فلفل در فلفل
 سیل زرد بجز قاقله از هر یک دو جزو با سرکه قرص ساخته خشک کنند بخشخ شیخ از منی و زرد و مدراج از هر یک نصف جزو اضافه کرده و در جبریل و لاد
 قرصا و از فخر از هر یک دو جزو الحاق نموده و با غسل برشته و بعضی این آویزه را اضافه کرده اند صندل سفید سه درم ساج هندی فلفل خاکستر گاه
 خ کاکوهی از هر یک سه جزو بوردی و جزو و تقیر نموده اند که بهترین چیزها از برای ریشق آویزه دندان که در ان زیره کرمانی جنسیانده
 شد و همچنین منصفه و نیز جهت این بهترین است سنون جهت امراض حاره منقول از کامل و شامل و حاوی کبر و مذکره جهت رویه
 بت لثه و تقویت آن و حرکت دندان تجربه رسیده است طباشیر کل سنج از هر یک سه درم و از برای لثه برشته دم الاونین هر یک دو درم مرجان
 نیمه صندل سنج مرصاف حب کاکج کزنجرف مالیران هر یک هم چو ملک سه درم مفرد بهترین آویزه است سنون جهت امراض بارده عاقرقاج
 سل شیخ خردل نجیبیل بوره بالتویه با قطران یا بلنج زره برشته سنون جهت دندان نایب مناسب کلترین است و تقویت آن
 منقول از کافی عاقرقاج پوست خنظل پوست چوب توت شیرم ما و دیون پوست بچ کبر حلیث زرنج زرد بالتویه مجموع را سائیده سه روز
 که جنسیانند و حلیث را با نصف وزن او نقل ازرق اول در سرکه حل نموده آویزه را برشته در وقت استعمال استیفا نمایند که بعد از ان
 زرد بلکه دندان مجاور در دندانگر انجیر و دوم غلاف کنند سنون جهت دندان حرکت مجرب حکمای هند است و در سوخته سرخ با
 یون کنند سنون جهت قلع سودا و میوه پیدانه انیسون بالتویه با غسل سنون کشند فوع دیکر بک عومج بک زیتون
 قیا از هر یک یک جزو قلع ساقه شرب زنج سفید از هر یک شش جزو و سوسن شش جزو زعفران ربع جزو سنون جهت قسام قلع
 سمنض بالتویه سائیده سنون کشند بغایت مفید است صفت آویزه که در دندان را ساقط کند نیم یا زرد کرکات زرد انیسون

در سینه است که تا کیف و لا کیف و الیه من رزق الله...
در اندام جراحات مسهل و تجفیف و دروغ آب...
در اندام جراحات مسهل و تجفیف و دروغ آب...
در اندام جراحات مسهل و تجفیف و دروغ آب...

سوی سوخته

سوی سوخته و جز پوست پیاز سوخته...
در اندام جراحات مسهل و تجفیف و دروغ آب...
در اندام جراحات مسهل و تجفیف و دروغ آب...
در اندام جراحات مسهل و تجفیف و دروغ آب...

شسته

فما دنا يند نما د جبهه بنفشه خطی الی الملک در آب بنفشه بار...
ت ورم گوش که در جوی با بونزه بنفشه خطی الی الملک در آب بنفشه بار...
آنت که لودیه را طبع نموده آب از آن بر عضو بریزند و بجم افزایند و مصلوبه با بر آن درازند و مصلوبه با بر آن...
ت ترش است و در دفع نخو اجوی و صداد حاره بنفشه برکت بید نیلو فر جنابزی آرد و جوی باره در آب بلنج دیند...
و در او داشته با آب او عنقریبا بشویند و نظریا با لنه نطول جهت تحلیل مواد بارده و تقویت اعضا بر نجاسف کل با بونزه...
بر جوش اسطر خود سن شنگ طلا شنبه حله حاشا جده حشک اهل فطر سالیون شیم الخفل جوز البس و کما فیطوس دار شمشیران...
ستور معمول نطول کنند اگر مجموع یافت یا مکت نشود به یعنی اکتفا جزیاست و در پاشویه و ادویه رطب هر گاه با بونزه و فودج و اسالیق...
نات ترش میکنند قطورات عبارت از بنفشه که بر عضو بچکانند و در عرف اطبا مخصوص است چشم گوش و ادویه عین با قسما هاند که ر شش...
کوری که احتیاض گوش دارد در اینجا کور میکرد و قطوس بجهت دوی و لطین نجابت نافع است منقول از معالجات بقر اعلی جنید بستر...
در آن که بوره سرخ است فرقی سیاه بالتسویه در سرکه حل کرده در گوش بچکانند و باید بیکرم باشد قطور را بیضا جت دوی و سده از اجتماع برکت...
لطین نافع و مستی بر سر فروق است فرقی سفید بوره سرخ که زعفران با سرکه قرمز ساخته با دباغ مناسبه حل نموده بچکانند قطور در بیکر...
رفع علت بوره در ساعت کند مرسیه را در کوزه سفالین سوزانیده خاکستر را با بول کاه و یا بول کبک بچکانند و در هر مرتبه نصفه از سفهان بزخ...
بخت ویلی و شکان بیک نامند و آن جو اینه کوی یک شیب بر قطور در بیکر از جربات امیر عطاء الله جد حقیر جهت کرانی سامو د کری و دوی...
لطین بوره از منی و دود انک شیم الخفل جنید بستر زرا از مبروج عصاره فستقین فزیون قسطیخ با زهره کاه و سرشته در روغن بادام تلخ حل کرده بچکانند...
والله حقیر و از آن آن تصرف بدستوری که در فوق برکت قید شده نموده است و تجربت دانسته قطور دیگر جهت کوی که در فوقه واقع شده باشد...
بچ فستقین را با زهره کاه استعمال کنند و زهره سلفات که سسک است باشد با روغن با بونزه نجابت نافع است و بچکانند دو قطره از قطران...
با نفط یا روغن قسط حل کرده باشند صچ و شام و اوست نمودن جهت جمع انواع در گوش و مواد بارده تجربت است قطور دیگر جهت شستن...
بروانی که در گوش رود قطران با آب فودج یا آب برکت شفا لوجل نموده بیکرم بچکانند قطور دیگر که افزای کره میای موله در گوش نماید شراب کیم...
در روغن کل سرخ سفیدی شیم مرغ پیشی را غشته در گوش بیکرم کرده بگذارند و ساعتی بماند جانب بکیده کرده پس بیکر فعه بسره برون آردند قطور دیگر...
در گوش که از حرارت باشد بکوز روغن کل سرخ با سرکه بزوشانند تا سرکه بسوزد پس قطره نمایند و بدستور شیفای اسپن باشد و حتران و روغن...
نخش یا کافور روایت شیر بدستور آب غلب الشعلین نافع است و سفیدی شیم مرغ بالی امیت از جربات است قطور که جهت ورم باد و دریا ج...
نخ است زهره کاه و لا با روغن فیری و امثال آن بچوشند تا رطوبت زهره بر طرف شود انگاه استعمال نمایند قطور دیگر جهت جربک و درد...
ترش گوش مسمان مبرنده زعفران با روغن بادام شیبین قطره نمایند جهت مسکن درد فسیون نجابت نافع است و جهت پاک کردن بک آب برکت...
زیتون با غسل نافع است و بدستور مراد آب حل کرده با روغن کل قطور کنند و بدستور از نرودت با ماء الصل سیاه نافع است قطور...
جهت رفع سیلان رطوبات گوش اطفال نافع است شیب علی زعفران بوره سرخ از بیکر و کاه و آب شربا بهرکت آل قطور گریستند

جهت ورم

فما دنا يند نما د جبهه بنفشه خطی الی الملک در آب بنفشه بار...
ت ورم گوش که در جوی با بونزه بنفشه خطی الی الملک در آب بنفشه بار...
آنت که لودیه را طبع نموده آب از آن بر عضو بریزند و بجم افزایند و مصلوبه با بر آن درازند و مصلوبه با بر آن...
ت ترش است و در دفع نخو اجوی و صداد حاره بنفشه برکت بید نیلو فر جنابزی آرد و جوی باره در آب بلنج دیند...
و در او داشته با آب او عنقریبا بشویند و نظریا با لنه نطول جهت تحلیل مواد بارده و تقویت اعضا بر نجاسف کل با بونزه...
بر جوش اسطر خود سن شنگ طلا شنبه حله حاشا جده حشک اهل فطر سالیون شیم الخفل جوز البس و کما فیطوس دار شمشیران...
ستور معمول نطول کنند اگر مجموع یافت یا مکت نشود به یعنی اکتفا جزیاست و در پاشویه و ادویه رطب هر گاه با بونزه و فودج و اسالیق...
نات ترش میکنند قطورات عبارت از بنفشه که بر عضو بچکانند و در عرف اطبا مخصوص است چشم گوش و ادویه عین با قسما هاند که ر شش...
کوری که احتیاض گوش دارد در اینجا کور میکرد و قطوس بجهت دوی و لطین نجابت نافع است منقول از معالجات بقر اعلی جنید بستر...
در آن که بوره سرخ است فرقی سیاه بالتسویه در سرکه حل کرده در گوش بچکانند و باید بیکرم باشد قطور را بیضا جت دوی و سده از اجتماع برکت...
لطین نافع و مستی بر سر فروق است فرقی سفید بوره سرخ که زعفران با سرکه قرمز ساخته با دباغ مناسبه حل نموده بچکانند قطور در بیکر...
رفع علت بوره در ساعت کند مرسیه را در کوزه سفالین سوزانیده خاکستر را با بول کاه و یا بول کبک بچکانند و در هر مرتبه نصفه از سفهان بزخ...
بخت ویلی و شکان بیک نامند و آن جو اینه کوی یک شیب بر قطور در بیکر از جربات امیر عطاء الله جد حقیر جهت کرانی سامو د کری و دوی...
لطین بوره از منی و دود انک شیم الخفل جنید بستر زرا از مبروج عصاره فستقین فزیون قسطیخ با زهره کاه و سرشته در روغن بادام تلخ حل کرده بچکانند...
والله حقیر و از آن آن تصرف بدستوری که در فوق برکت قید شده نموده است و تجربت دانسته قطور دیگر جهت کوی که در فوقه واقع شده باشد...
بچ فستقین را با زهره کاه استعمال کنند و زهره سلفات که سسک است باشد با روغن با بونزه نجابت نافع است و بچکانند دو قطره از قطران...
با نفط یا روغن قسط حل کرده باشند صچ و شام و اوست نمودن جهت جمع انواع در گوش و مواد بارده تجربت است قطور دیگر جهت شستن...
بروانی که در گوش رود قطران با آب فودج یا آب برکت شفا لوجل نموده بیکرم بچکانند قطور دیگر که افزای کره میای موله در گوش نماید شراب کیم...
در روغن کل سرخ سفیدی شیم مرغ پیشی را غشته در گوش بیکرم کرده بگذارند و ساعتی بماند جانب بکیده کرده پس بیکر فعه بسره برون آردند قطور دیگر...
در گوش که از حرارت باشد بکوز روغن کل سرخ با سرکه بزوشانند تا سرکه بسوزد پس قطره نمایند و بدستور شیفای اسپن باشد و حتران و روغن...
نخش یا کافور روایت شیر بدستور آب غلب الشعلین نافع است و سفیدی شیم مرغ بالی امیت از جربات است قطور که جهت ورم باد و دریا ج...
نخ است زهره کاه و لا با روغن فیری و امثال آن بچوشند تا رطوبت زهره بر طرف شود انگاه استعمال نمایند قطور دیگر جهت جربک و درد...
ترش گوش مسمان مبرنده زعفران با روغن بادام شیبین قطره نمایند جهت مسکن درد فسیون نجابت نافع است و جهت پاک کردن بک آب برکت...
زیتون با غسل نافع است و بدستور مراد آب حل کرده با روغن کل قطور کنند و بدستور از نرودت با ماء الصل سیاه نافع است قطور...
جهت رفع سیلان رطوبات گوش اطفال نافع است شیب علی زعفران بوره سرخ از بیکر و کاه و آب شربا بهرکت آل قطور گریستند

تولج برعی بغایت نافع است برکن سداب زیره که مانی نامند بزرگه از منی بالتویه باغسل سرشته شفاف است از آنکه از آنکه در آن زمان
 شفاف جهت اخراج کرم مقعد که در آن نخل نامند جرب است شحم الحظفل فستقین مویز منقح کرم کوبیده بار و من کربون و قطران شفاف
 بسازند شفاف جهت عرق الف و وجع و برکن بغایت آرموده است بوجه شحم الحظفل سورجیان موده نرم سائیده بوزن جمیع شکریه
 سرشته شفاف بسازند فسیله که جذب از عمق بدن نماید و نخل ریاح و مسکن در در و رکت و عرق النساء است سناهی یکی شحم خبازی را بوزن
 سفلیه تریب شحم الحظفل سرکین پوشش بوره نمک هندی با عسل یا با شیر نیمه فستیده بسازند فسیله جهت قطع خون بواسیر بجهت قد است
 پیشه که سفند را فستیده ساخته سه روز در سرکه بگذارد پس برکن فرب را که بک و ورق الحیال که بید نرم سائیده برکن فستیده یا شیده محول کنند فسیله
 دیگر در قطع بواسیر اکثر اطباء جرب دانسته اند قناع با دجنان را که بفارسی گله با دجنان نامند با مثل آن با دام کرم نرم کوبیده محول و طلا و مسکون
 جهت کشودن خون بواسیر هرگاه مسدود شده باشد و باعث زحمت کرد اول مقعد را بر وزن شحم زرد آو و مغز ساق کا و در وزن کوبان شسته
 با قدری مقل طلا کنند و آن را بان آوده بر در اندیس سر طبعیا فستیده شحم الحظفل را باز هر که کاد سرشته محول کنند و هرگاه سبب تنگی او بر وزن
 مقعد و وجع بهر سبب بر وزن کل مویز و سرکین کبوتر زهره کا کلا کنند فسیله جهت رفع حرقة البول و قطع جرب که آن بغایت نافع و از آنکه
 حقیر است و بغایت جرب و بدستور جهت نوامیس بجدلیست و چون فستیده را در سوراخهای نوامیس گذارند و در باب آکل نیز اشارت
 باین نسخه شده است و از اسرار میتوان بود و مویز زرد و قوتیای مسئول مردار سنگ مسئول سفیداب سفلی مسئول کلنا کل ارضی نوی سخته
 که در وی سخته کلنا فی سون نرم سائیده از هر یک که را نیده باب کثیرا سرشته فستیده های باریک ساخته در سوراخ قضیب بگذارد فرزجه
 جهت محل جرب است و باید بعد از حیض سه شبانه روز مفضل بردارد زهره کوش و سرکین او و عسل هر یک یک شقال فرزجه ساخته استعمال نمایند
 فرزجه جهت محل مسئول از این سرافیون که والد حقیر جرب دانسته زعفران حماما سنبلی الطیب اکلیل الملک مکده ۳ و نیم سافج قوه مانا
 مکده و قویه پیه ادرک زرده شحم دو قویه روغن نارودین نیم و قویه بالته کبود سه روز محول نمایند و هر روز و هر شب تازه کنند و هر روز
 یک شقال نشاءه علاج را بمشال و نبات تناول نمایند فرزجه جهت کشودن حیض مختبص هفت ساله را او را رنوده مرصاف پودنه کوهی با
 کا و فرزجه بسازند فرزجه جهت کشودن حیض منقول از یونان که حیض مختبص هفت ساله را او را رنوده مرصاف پودنه کوهی با
 سداب خشک اهل زهره کا و بقدر سرشتن فرزجه جهت اخراج جنین زنده و مرده و شیمه و عر ولادت و نطفه رجا بغایت
 و قائل جنین جبار شیر فرقی سیاه و طلا و سوسه با زهره کا و بدبشند فرزجه جهت اوار فرمودن حیض جرب است فرنیون را نرم با
 استعمال نمایند فرزجه جهت کشودن حیض و اخراج جنین مرده و زنده بغایت مؤثر است و جرب دانسته اند چهاره قنار
 با زهره کا و حل نموده بالته کبود بردارد فرزجه که در غایت جذب تنقیه است و جهت اخراج جنین و شیمه بجدلیست منقول از
 قنار الحار سداب شحم الحظفل مازریون اشق نخور مریم مویز با عسل یا با فلوس خیار شنبه بسازند فرزجه جهت تحلیل از
 موم پیه ادرک پید مرغ مقل زرق فطی شحم کتان با عسل یا با فلوس خیار شنبه بسازند فرزجه جهت قطع نمودن حیض جرب است
 کا فور کلنا که کشین تازه بالته محول نمایند از جهت خستناق رحم جرب است شحم مویز کل خلی التویه در شیر نیمه بالته محول کنند

تولج

تولج برعی بغایت نافع است برکن سداب زیره که مانی نامند بزرگه از منی بالتویه باغسل سرشته شفاف است از آنکه از آنکه در آن زمان
 شفاف جهت اخراج کرم مقعد که در آن نخل نامند جرب است شحم الحظفل فستقین مویز منقح کرم کوبیده بار و من کربون و قطران شفاف
 بسازند شفاف جهت عرق الف و وجع و برکن بغایت آرموده است بوجه شحم الحظفل سورجیان موده نرم سائیده بوزن جمیع شکریه
 سرشته شفاف بسازند فسیله که جذب از عمق بدن نماید و نخل ریاح و مسکن در در و رکت و عرق النساء است سناهی یکی شحم خبازی را بوزن
 سفلیه تریب شحم الحظفل سرکین پوشش بوره نمک هندی با عسل یا با شیر نیمه فستیده بسازند فسیله جهت قطع خون بواسیر بجهت قد است
 پیشه که سفند را فستیده ساخته سه روز در سرکه بگذارد پس برکن فرب را که بک و ورق الحیال که بید نرم سائیده برکن فستیده یا شیده محول کنند فسیله
 دیگر در قطع بواسیر اکثر اطباء جرب دانسته اند قناع با دجنان را که بفارسی گله با دجنان نامند با مثل آن با دام کرم نرم کوبیده محول و طلا و مسکون
 جهت کشودن خون بواسیر هرگاه مسدود شده باشد و باعث زحمت کرد اول مقعد را بر وزن شحم زرد آو و مغز ساق کا و در وزن کوبان شسته
 با قدری مقل طلا کنند و آن را بان آوده بر در اندیس سر طبعیا فستیده شحم الحظفل را باز هر که کاد سرشته محول کنند و هرگاه سبب تنگی او بر وزن
 مقعد و وجع بهر سبب بر وزن کل مویز و سرکین کبوتر زهره کا کلا کنند فسیله جهت رفع حرقة البول و قطع جرب که آن بغایت نافع و از آنکه
 حقیر است و بغایت جرب و بدستور جهت نوامیس بجدلیست و چون فستیده را در سوراخهای نوامیس گذارند و در باب آکل نیز اشارت
 باین نسخه شده است و از اسرار میتوان بود و مویز زرد و قوتیای مسئول مردار سنگ مسئول سفیداب سفلی مسئول کلنا کل ارضی نوی سخته
 که در وی سخته کلنا فی سون نرم سائیده از هر یک که را نیده باب کثیرا سرشته فستیده های باریک ساخته در سوراخ قضیب بگذارد فرزجه
 جهت محل جرب است و باید بعد از حیض سه شبانه روز مفضل بردارد زهره کوش و سرکین او و عسل هر یک یک شقال فرزجه ساخته استعمال نمایند
 فرزجه جهت محل مسئول از این سرافیون که والد حقیر جرب دانسته زعفران حماما سنبلی الطیب اکلیل الملک مکده ۳ و نیم سافج قوه مانا
 مکده و قویه پیه ادرک زرده شحم دو قویه روغن نارودین نیم و قویه بالته کبود سه روز محول نمایند و هر روز و هر شب تازه کنند و هر روز
 یک شقال نشاءه علاج را بمشال و نبات تناول نمایند فرزجه جهت کشودن حیض مختبص هفت ساله را او را رنوده مرصاف پودنه کوهی با
 کا و فرزجه بسازند فرزجه جهت کشودن حیض منقول از یونان که حیض مختبص هفت ساله را او را رنوده مرصاف پودنه کوهی با
 سداب خشک اهل زهره کا و بقدر سرشتن فرزجه جهت اخراج جنین زنده و مرده و شیمه و عر ولادت و نطفه رجا بغایت
 و قائل جنین جبار شیر فرقی سیاه و طلا و سوسه با زهره کا و بدبشند فرزجه جهت اوار فرمودن حیض جرب است فرنیون را نرم با
 استعمال نمایند فرزجه جهت کشودن حیض و اخراج جنین مرده و زنده بغایت مؤثر است و جرب دانسته اند چهاره قنار
 با زهره کا و حل نموده بالته کبود بردارد فرزجه که در غایت جذب تنقیه است و جهت اخراج جنین و شیمه بجدلیست منقول از
 قنار الحار سداب شحم الحظفل مازریون اشق نخور مریم مویز با عسل یا با فلوس خیار شنبه بسازند فرزجه جهت تحلیل از
 موم پیه ادرک پید مرغ مقل زرق فطی شحم کتان با عسل یا با فلوس خیار شنبه بسازند فرزجه جهت قطع نمودن حیض جرب است
 کا فور کلنا که کشین تازه بالته محول نمایند از جهت خستناق رحم جرب است شحم مویز کل خلی التویه در شیر نیمه بالته محول کنند

تولج

در اقبال آن بدانکه الطبا در باب اول نصاب در اختتامه که در وقت صلوات بر ائمه علیهم السلام در وقت صلوات بر ائمه علیهم السلام در وقت صلوات بر ائمه علیهم السلام
است که حضرات که در فعل آن بقای از چند ماه باقی باشد امکان ندارد فریبش بخرج کوه اندک کبابی ثابت و بلکه در وقت از آب کبابی
بحقیق اقریب است که چون کوبه از بخار دخانی غلیظه است هرگاه قوت تا فقیه قوت مساویه صفت بجدی باشد که با شیر نام در وقت
جلد که ماده بخار دخانی و کون مولیت تواند نمود و افتاء بیل من او تواند کرد امکان دارد که بعد از سفیدی موی سیاهی کون نماید و علاوه بر
صفت جلد را سیاه کند طمبی روغنهای نیکم دفعی نماید خصوصا ادیان حاره صفت در کماهند و دست جوک و ترنجبین بهتر است
که در دست و کوبند که دست پیری موی سیاه میروید و سیاه و چاهل سرکه کنوری و مثل آن شیر تازه گاوی را باهم بچوشند تا قریب با مقدار
پس بگذارند تا سرد شود و پوست انار و اما عتق و بلبله سیاه هر یک سی شغال کوفته و نیمه اضافه نمایند و در شیشه کرده سده و در گلاب
دفع کنند پس مویرا با آب لیخته صفت که کینه ایشک منقول از حکماء هند که مدعی آنند که تا بهفت سال اثر آن باقیست کلاه باد و بخان
ریشه درخت انار که بول نخاس بلبله سیاه زریق مازوی بر بن خود سیاه پوست را که کوبیده و نیمه باسد قاشق سرکه در روغن کنجد سیاه شده
در ظرف همین کرده چهل روز تا آب دهن کند پس استعمال کنند صفت دیگر اینها منقول از حکمای هند که تا شش ماه اثرش باقیست باری
سوراج کرده مغز آرز پرور آورده هر هفده در هم ترا بدود در هم براده آهن و یکدر هم پوره نرم کوبیده در میان نازجیل کنند و سوراج آرز با همان
پاره که از آن برداشته بود نرسد و ننموده بکل حکمت گرفته یکساعت در تنو بگذاردند بجای که بسوختن نرم پس روغن که در آن صغ شده
باشد استعمال نمایند خضاب منقول از حاوی که یکروز بنویسد که تا شش ماه اثرش باقیست و مجرب دانسته اند و سینه تازه بسیار رنگین را
نرم سائیده از بوی نیمه با زاء هر پوست آل او و آل مح اندرانی در شغال از سیاه داخل کرده با سرکه خمیر نموده یکماه در آفتاب بگذارد پس بقدر
ریح او و خطی در وقت استعمال نصف نموده با آب سرشته صفت و ساعتی در ماسک کرم کش نمایند خضاب دیگر در بستور منقول از حاوی که
که عجیب تر دانسته است برکت جناب برکت و سدر و اجداد آن در آب خیسانیده در آفتاب بگذارد پس مضاف نموده تا سه بار تجدید نمایند تا آبها بسیار
رنگین شود و براده آهنین را که در سرکه کرده در آفتاب بگذارد تا بغایت سیاه کرد و دو مازدی سبزر سائیده در آب خیسانیده در آفتاب
گذارد تا غلیظه کرد و در آن سنگ و آهک را با المناصفه نرم سائیده با آب در آفتاب بگذاردند بجای که چون بر سفید
سیاه کند و این بعد از آنکه از ادخال در آن سنگ و آهک میشود پس بکیرند از آب حنا و آب و سسه و آب مردار
و از آب باز و سرکه آهن خیسانیده هر یک ریح جز و مجموعرا مخلوط نموده بوزن در کوبند و با زاء هر رطل که نو
بلخ اندرانی پوست کردکان تازه نرم سائیده اضافه نمایند و یکماه در آفتاب بگذاردند و بهر پیشم سفید آورد
شست با پر مرغ یا موی بالند چه آگشت را سیاه میکند و قدی از آن را بچوشانند تا غلیظه کرد و وجهها بسیار
با پر مرغ بربنت موی طلا کنند خضاب دیگر اینها از حاوی که یکماه اثرش را باقی دانسته اند برکت سدر
غومای سوخته زاج سیاه پوست انار را سخت نوشت در بلبله سیاه از هر یک ۵ دل در کیریل سرکه و مثل او روغن
سوخته روغن مانده روغن نیز قریب نصف رسد سها مضاف نموده استعمال کنند و غیر صاف نیز مؤثر است



و مثل آن

و مثل آن بدانکه الطبا در باب اول نصاب در اختتامه که در وقت صلوات بر ائمه علیهم السلام در وقت صلوات بر ائمه علیهم السلام در وقت صلوات بر ائمه علیهم السلام
است که حضرات که در فعل آن بقای از چند ماه باقی باشد امکان ندارد فریبش بخرج کوه اندک کبابی ثابت و بلکه در وقت از آب کبابی
بحقیق اقریب است که چون کوبه از بخار دخانی غلیظه است هرگاه قوت تا فقیه قوت مساویه صفت بجدی باشد که با شیر نام در وقت
جلد که ماده بخار دخانی و کون مولیت تواند نمود و افتاء بیل من او تواند کرد امکان دارد که بعد از سفیدی موی سیاهی کون نماید و علاوه بر
صفت جلد را سیاه کند طمبی روغنهای نیکم دفعی نماید خصوصا ادیان حاره صفت در کماهند و دست جوک و ترنجبین بهتر است
که در دست و کوبند که دست پیری موی سیاه میروید و سیاه و چاهل سرکه کنوری و مثل آن شیر تازه گاوی را باهم بچوشند تا قریب با مقدار
پس بگذارند تا سرد شود و پوست انار و اما عتق و بلبله سیاه هر یک سی شغال کوفته و نیمه اضافه نمایند و در شیشه کرده سده و در گلاب
دفع کنند پس مویرا با آب لیخته صفت که کینه ایشک منقول از حکماء هند که مدعی آنند که تا بهفت سال اثر آن باقیست کلاه باد و بخان
ریشه درخت انار که بول نخاس بلبله سیاه زریق مازوی بر بن خود سیاه پوست را که کوبیده و نیمه باسد قاشق سرکه در روغن کنجد سیاه شده
در ظرف همین کرده چهل روز تا آب دهن کند پس استعمال کنند صفت دیگر اینها منقول از حکمای هند که تا شش ماه اثرش باقیست باری
سوراج کرده مغز آرز پرور آورده هر هفده در هم ترا بدود در هم براده آهن و یکدر هم پوره نرم کوبیده در میان نازجیل کنند و سوراج آرز با همان
پاره که از آن برداشته بود نرسد و ننموده بکل حکمت گرفته یکساعت در تنو بگذاردند بجای که بسوختن نرم پس روغن که در آن صغ شده
باشد استعمال نمایند خضاب منقول از حاوی که یکروز بنویسد که تا شش ماه اثرش باقیست و مجرب دانسته اند و سینه تازه بسیار رنگین را
نرم سائیده از بوی نیمه با زاء هر پوست آل او و آل مح اندرانی در شغال از سیاه داخل کرده با سرکه خمیر نموده یکماه در آفتاب بگذارد پس بقدر
ریح او و خطی در وقت استعمال نصف نموده با آب سرشته صفت و ساعتی در ماسک کرم کش نمایند خضاب دیگر در بستور منقول از حاوی که
که عجیب تر دانسته است برکت جناب برکت و سدر و اجداد آن در آب خیسانیده در آفتاب بگذارد پس مضاف نموده تا سه بار تجدید نمایند تا آبها بسیار
رنگین شود و براده آهنین را که در سرکه کرده در آفتاب بگذارد تا بغایت سیاه کرد و دو مازدی سبزر سائیده در آب خیسانیده در آفتاب
گذارد تا غلیظه کرد و در آن سنگ و آهک را با المناصفه نرم سائیده با آب در آفتاب بگذاردند بجای که چون بر سفید
سیاه کند و این بعد از آنکه از ادخال در آن سنگ و آهک میشود پس بکیرند از آب حنا و آب و سسه و آب مردار
و از آب باز و سرکه آهن خیسانیده هر یک ریح جز و مجموعرا مخلوط نموده بوزن در کوبند و با زاء هر رطل که نو
بلخ اندرانی پوست کردکان تازه نرم سائیده اضافه نمایند و یکماه در آفتاب بگذاردند و بهر پیشم سفید آورد
شست با پر مرغ یا موی بالند چه آگشت را سیاه میکند و قدی از آن را بچوشانند تا غلیظه کرد و وجهها بسیار
با پر مرغ بربنت موی طلا کنند خضاب دیگر اینها از حاوی که یکماه اثرش را باقی دانسته اند برکت سدر
غومای سوخته زاج سیاه پوست انار را سخت نوشت در بلبله سیاه از هر یک ۵ دل در کیریل سرکه و مثل او روغن
سوخته روغن مانده روغن نیز قریب نصف رسد سها مضاف نموده استعمال کنند و غیر صاف نیز مؤثر است

Handwritten notes on the left margin of page 123, including names and medicinal terms.

از عاوی و سحر و جادو و غیره که با سبب سیاه شدن است
 و جبهه اش را که تا نزد خضاب دیگر منقول از کتب قدیم است که در غایت قوه است حق اینکه هرگاه در جام خضاب
 در آن گذارند و در آن بزاده که در زمان راسیاه کند باعث تسویه موی سر و پیکر در و داده سال ترش را باقی دانسته است
 بزاده سیاه که کبک نکند ما چه باشد و بر روی نگاه فرج کرده که از نماند منفرد کرده و از نگاه دور کند و ده آل آن را با بیخ لاسخت و هله لراج
 سیاه و اولی از موی نرم ساییده از جوی پر خسته با خون مخلوط کرده در شیشه کشند و شیشه را تا کلو در سر که کند مدت چهل روز بگذرانند و اگر زود تر
 خواهند شد و زود سر که و سر روز در سر که تازه اسب باید گذاشت خضاب این منقول از ابن حبیل و به تجربه رسیده است مردان کنگ
 ایگ را با شش وزن آن آب بخینانند و سر روز در آفتاب بگذارند و بر پیش سینه امتحان کنند هرگاه سیاه کند صاف نموده بار دیگر در آن
 بقدر سدس صاف کنند تا امتحان رسد پس صاف نموده در جوی و صابون و آب آن خیر کرده قدری قویتر نماید و صفا ساخته استعمال کنند
 و برین اطبا اجماع نموده اند که چون در طلب قوی نسیمی بگذریم از زجاج سبز لینی نبوشند موی سفید ساقدارید سیاه میاید و چون زجاج منور
 سم است و فرشتش تطبیقش لازم است خضاب منقول از ایاتی و جامع الادویه و کتب معتبره در تقویت و تسویه موی سفید است آمله
 پنجاه آب بود تازه صند و پنجاه مثقال آب صاف سفید و پنجاه مثقال نبوشانند تا بنف رسد پس صاف نموده پنجاه در هم خنجر و پنجاه در هم
 و مثل آن خنجر و پنجاه مازوی بریان کرده که بر وزن زیتون آوده باشند و پنجاه در هم صند در هم زجاج پودر باشند تا منفرد کرده
 و بنشک و در نقل معطر ساخته استعمال نمایند و از آن بل تجریم کمر تیغ یافته و از مقدارین نیز منقول است که چون هر روز بر وزن زیتون محرابی ایلیان
 نمایند موی سفید نیگردد و بر سوز هر روز یک عدد هدیه سیاه تنا و نمایند و همیشه هدیه سیاه در دهان نگاه دارند باعث دوام سواد مویست
 و آنچه سفید باشد بعد از مدت یکسال شروع سیاه شدن میکند و این از تجربیات دوائی که چون موی سفید را قلع نموده در حال بران
 موضع نهاد کنند سیاه بر ویاند و از تجربیات است زهره عفاف و خون او نشیای طلا نمایند و قدر یکسره از زهره او سقوط کنند دوائی دیگر که در
 جامع امین الدو و تجربیات دانسته و مبالغه در تاثیر آن نموده و از عجایب اسرار نموده زهره که بر سیاه زهره غراب زهره مریه سیاه
 قوط نموده بر سر ولجیه بالند تا تیره سیاه کردن موی سفید است که ابد سفید نشود و دوائی دیگر علق را با سر که در شیشه
 سب و فن کرده بر موضع موی مخلوط بالند دیگر موی سفید نمیاید و این جالبه را با شراب بر موضع موی منقون بر
 سفید سیاه بر موی آید تجربیات خضاب دیگر منقول از آن که زمان طولی سیاهی آن میماند و رغن از حبیل
 خضاب دیگر ایضا منقول از آن که دست و جلد را سیاه میکند موی سر و ولجیه را بغایت سیاه میکند و تجربیات
 است با آب بقدر آنکه یک بند انگشت آن را بپوشانند پخته شود و قطره از آب آن بر روی کار و یا سینه
 را سیاه کند نگاه صاف نمایند و مادامی که سیاه کنند بعد پودر جو شانه پس آب صاف آنرا بپوشانند تا قریب الاوقات
 چشمه بر سر نهاد نمایند و آب منفرد را آب کرم حل نموده بر اصول شوی بالند و از دیگر کوشش و الا در جام تا شش ساعت
 خضابیه که امهات اند و صمد و جفا و بردات آهین مس و سرب و راحت و جنب ای بر دواب پوست با قاع و آب پوست

کرکدان

در زینتی منق را که اولاً ارواح جبارت از وی که در منق مذکور به لقب از هر یک نود در هم بماند تا بکمان کرد و در وقت
 یکت گرفته کرده در دیک بر یکت با کسرت بشش نرم ساییده در جوی بر هله نیم که کشند نفعین هر هله را بر سران نمید
 سکیم نمایند و هله را در خرف بالی کرده و مس کف گرفته بر آن بریزند قدری که او را بپوشاند و ظرف او در زمین بکلی بماند و در وقت
 در آن چون بیرون آورند اجساد منور را در اجرام هلهیات عوض نموده اثری از آن مانده هلهیات نرمی شده باشد هر
 عدد در اش و لمانند و چهار ساعت در خوردن غذا تا جگر کشند و بعد از آن شتر کاوی ناز و اضعف العیفه و نان و سکر و کوشتهای
 تا و لمانند و چون کمال مداوم کنند به ستوری که ذکر شد جمع منافع فروره سابقه است سیاه کردن موی سفید و زیاد
 سر و تقویت قوتها و رفع ضعف پیری و اعاد شباب و صحت ارجح و مزاج و حرارت غریزی مشابه کند و همچنین در
 در دادن سنک با زجاج با نوج آب کباب به پنجه ساییده ناعم و سیاهی او زایل کرد پس که سیاه عن الغلبه سوزی نمایند
 در نیمه سبب تنج هله ساییده و بعد از آن مخلوط کرده با خصال او را با نود الیاب خالص در دیک سنگ باشد نرم بپوشانند و هر چند
 آب تخمین و در بنا کمال دیگر تجریم بر او بنمایند تا جمع صد و شصت دال آب تخمیل رود پس بر دوشه صاف کنند و این سبب است
 در وقت صغی که حال سار رسان که ششم بوده با دوی سیست و از هر از او چون خنجر است بقدر تجریم در سار و در سار که زعفران
 ز دوائی بیست و چهار که چهاره از دوائی بیست و چهار است و اصل آن از ادویه بلادی و زنجیری و غیره است و بیست
 در وقت اجناس بیست و چهار که در وقت دوق و شنبه معده جدید و از تجربیات حکمای هند است فلی را در ظرف شال با ظرف این کتبه
 چند بار زود چوبه ساییده یا ننگه مسحق قدری با دویخته با الی سینی بر هم زده سرفاف را بپوشانند تا نافع صعود کند
 و سجدی رسد که رنگ او سفید شود پس او را در جویها بگذرانند و ساختار کعبه تا سه عدد استعمال نمایند و هر که سطل نفعین
 تیغ باشد قدری از آن شتری در بر طین را با آب لیمو خنجر کرده در جهت بد مندوز و دیگر بر وزن گردگان خنجر کرده در بود
 چندان بد مندی که بل بیخنی کرده در این وقت یکدیگر از این جبهه مسهل قوی الا اثر است و رغن افراط اسهال از صاحب سفید اولی
 سفید اول بکنده است دوم در ذکر بعضی از آن تجریم و این آرزای مطرقت شده معنی نمانا که عودنی که فندان در امرض میانام
 می افتد بست و یک رنگ است این نفعین بر این هر یک بلدی کوشی است و فندان جهت کوکب سر و کران خزنی و چون نافع است
 زنجیری در هر بیگی است و جهت امراض چشمه و بینی و گوش مدان سفید است و در این در دو طرف کردن است جهت عک
 و جرب در بر و کبخت موی و لاه امرض طاره و نزلات رفع است این همان از حوالی لته علیا از دو طرف کشنده است تا باطن
 دماغ و جهت درد دستها و منقعه و جگر دیا م نزد یک زدن نافع است صافیات چهار عرضت در طرف وحشی و دستها و
 و جهت رختن موی که جبهه کوبند مع لطیف فرایم در تحت بار کران و در تحت هم بغایت نافع است سیاه و عرق
 کتفه کشنده ناعم و جهت امراض بیست و کرد صوت خواهند در موضع شمشاد و در بی لشوار از فندان صاف است

طریقه
تجربیات

Loose material follows

لقد كرم الله وجهه
تعددت كتابه في
حرمه وكنوزه
بمصر في سنة ١٢٠٠

Persian 118
folio 18

Persian 112
folio 18



END OF REEL
PLEASE REWIND

